



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی

(خلاصه تقریرات)

## حقوق کیفری اقتصادی

استاد: نجفی ابرندآبادی

تهیه و تنظیم: عاطفه انصاری

ویرایش ماهوی: دکتر فاطمه قناد

امین جعفری (دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی)

نیم‌سال نخست ۸۷-۱۳۸۶

۲۵۰۶ مباحثی در علوم جنایی

### مقدمه<sup>۱</sup>

اختلاف بین دو دیدگاه کیفری کردن و کیفر زدایی از فعالیتهای اقتصادی یکی از مباحث روز دنیا و معضلی دو جانبه است. از یک سو بستر فعالیتهای اقتصادی نیازمند درستی، اخلاق و امنیت است و از سوی دیگر طمع ورزی برای جلب منافع اقتصادی موجب می‌شود عده‌ای این امنیت را نقض کنند. در چنین شرایطی برای حفظ امنیت این بستر چه ضمانت اجرایی را می‌توان در نظر گرفت؟ بعنوان نمونه تاجر که مقررات مربوط به دفاتر تجاری را رعایت نکرده است، مجرم تلقی و در دادگاه کیفری به حبس یا شلاق محکوم کنیم یا برای وی ضمانت اجرایی اداری، صنفی یا مدنی در نظر بگیریم؟

آیا جرم‌انگاری و کیفری کردن فعالیتهای اقتصادی موجب توقف فعالیتهای اقتصادی و مانع رقابت سرمایه داران با یکدیگر نمی‌شود؟ مثلاً بموجب قانون بازار بورس و اوراق بهادار مصوب ۸۴ به تبعیت از پاره‌ای کشورهای از جمله امارات، جرایمی مانند مورد استفاده قرار دادن اطلاعات محرمانه بورس یا افشای اطلاعات نهانی<sup>۲</sup> (ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار) پیش بینی شده است، بی آنکه تعریفی از جرم و قلمرو آن ارایه شود. حال آیا این امر سبب نمی‌شود که عده‌ای از سرمایه داران از دادو ستد در بورس منصرف شوند؟ یا مثلاً آیا جرم‌انگاری پولشویی موجب فرار سرمایه داران نخواهد شد؟ و از سوی دیگر آیا مباح بودن این عمل کشورها را مبدل به بهشت مالی که از نظر تعقیب و محاکمه، بهشت کیفری نیز نام دارد، برای قاچاقچیان نخواهد کرد؟

1. درخصوص جنبه های جرم شناختی بزهکاری اقتصادی ر.ک: جزوه شماره ۲۷ همین مجموعه.

2. در این زمینه ر.ک. : جعفری، امین، اسرار حرفه‌ای و حقوق کیفری اقتصادی و تجاری، فصلنامه

تخصصی فقه و حقوق، سال چهارم، شماره چهاردهم، پاییز ۱۳۸۶

## جرم‌شناسی ۲۵۰۷

قبل از پاسخ به این سوال باید گفت رویه سازمان ملل، اتحادیه‌ی اروپا و شورای اروپا، برای جرایم بزرگ اقتصادی، استفاده از ابزارهای حقوق کیفری است و هم زمان از طریق جرم‌انگاری تخلفات بزرگی نظیر پولشویی، رشا و ارتشا بین المللی و ... سعی دارند از تخلفات دیگری مانند عدم رعایت بهداشت در کارخانه های مواد غذایی یا گران فروشی، کم فروشی، فروش اجباری، امتناع از عرضه و ... جرم‌زدایی کنند و ضمانت اجراهای آنها را در قالب نهادهای صنفی و اتحادیه‌ای در نظر بگیرند. لذا توسل به ابزارهای حقوق کیفری تنها برای جرایم مهم مورد توجه قرار خواهد گرفت.

حقوق کیفری دارای رسالت‌هایی است. این رشته از حقوق با حاکمیت ملی دولتها مرتبط است. در قالب قوانین کیفری، بد از خوب، منکر از معروف، مجاز از ممنوع، حق از باطل تفکیک می‌شود. حقوق جزا با عنوان گذاری روی اعمال نادرست اعمال درست را مشخص می‌کند. حقوق جزا، حقوق بنیان‌گذار و هنجار ساز است. بدین ترتیب زمانی قانون‌گذار به حقوق جزا متوسل می‌شود که سایر ابزارها و ضمانت اجراهای حقوقی موفق به مهار اعمال ممنوعه نشده باشند. مثلاً ترک انفاق یک تاسیس حقوق مدنی است ولی از آنجا که عدم تادیه نفقه اشخاص واجب‌النفقه مخل نظم اجتماعی است، قانون‌گذار ناچار شده است برای آن ضمانت اجرایی کیفری در نظر بگیرد، چون ضمانت اجرای مدنی موفق نشده است شوهر را مکلف به پرداخت نفقه کند. پس می‌توان گفت حقوق کیفری به کمک سایر رشته‌ها از جمله حقوق اقتصادی می‌آید و زمانی که قواعد اقتصادی موفق نمی‌شوند تابعان خود را به تبعیت از قواعد وادار نمایند بناچار به حقوق کیفری رجوع می‌شود. حقوق کیفری به دنبال تأمین امنیت و نظم اقتصادی است، زیرا فعالیتهای اقتصادی در بستری امن و منظم قابل تصور است.

## ۲۵۰۸ مباحثی در علوم جنایی

در سطح بین‌المللی وظیفه سازمان ملل، حفظ صلح و امنیت جهانی به منظور شکوفایی فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی است. حقوق کیفری ابزارهایی مانند قانون، پلیس، دستگاه قضایی، واریز جریمه به خزانه عمومی و ... دارد اما نباید فراموش کرد که حقوق جزا نسبت به سایر رشته‌های حقوقی آخرین حربه تلقی می‌شود. بدین ترتیب، برای ورشکستگی که یک تاسیس حقوق خصوصی است به جهت کارساز نبودن ضمانت اجراهای حقوق تجارت، ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شده است.

جرایم موضوع حقوق کیفری دسته‌بندیهای مختلفی دارند :

دسته اول: جرایم طبیعی که از دیر باز دارای قبح اخلاقی در جوامع بشری هستند؛ مانند ضرب و جرح، زنا، محصنه و قتل.

دسته دوم: جرایم قراردادی که همواره تقبیح اخلاقی و اجتماعی بدنبال نداشته، بلکه این جرم‌انگاری صرفاً یک امر فنی حقوقی مرتبط با تحولات در جامعه است. این جرایم نظیر پولشویی از نظر اخلاق اجتماعی و دینی حکم خاصی ندارند، اما دولت به منظور حفظ مصالح اقتصادی داخلی یا بین‌المللی، آن را جرم‌انگاری نموده است. جرایم اقتصادی جدید نوعاً جزء این دسته هستند و در حقوق کیفری سنتی جایگاهی ندارند. لذا حقوق اقتصادی شامل کلیه ساز و کار قواعد و مقرراتی است که در معنای وسیع، انواع فعالیتهای اقتصادی و رقابتی و جریان پول و کالا را سامان می‌دهد. اما نقش حقوق کیفری در این فعالیتها چیست؟

در حقوق کیفری اقتصادی نیز با دو دسته جرایم روبرو هستیم :

جرایم طبیعی یعنی جرایمی که همواره در تاریخ حقوق کیفری جرم بوده‌اند و جرایم ساختگی/مصنوعی یعنی جرایمی که قراردادی و امروزی‌اند و در واقع ارتباطی مستقیم با تمدن امروزی دارند. جرایم سنتی که در مسایل اقتصادی خیلی مورد توجه‌اند عبارتند از کلاهبرداری، سرقت، خیانت در امانت و ... این جرایم از جهت اخلاقی

نیز تقبیح شده اند. در کنار این جرایم، جرایم ساختگی قراردادارند که در اخلاق حکم خاصی برای آنها در نظر گرفته نشده است، مانند جرم خرید و فروش اطلاعات نهان در بورس<sup>۱</sup> که بر اساس معیارهای اخلاق و رفتار حرفه‌ای<sup>۲</sup> جرم‌انگاری شده است.

با این مقدمه کلی باید گفت حضور حقوق کیفری در حقوق اقتصادی به منظور نیل به سه هدف عمده است:

۱. حقوق کیفری با کیفری کردن تخلفات اقتصادی و موارد عدم رعایت مقررات اقتصادی، تابعان حقوق اقتصادی را تهدید به مجازات و تنبیه می‌کند. بنابراین حقوق کیفری نوعی رسالت سرکوبگر و بازدارنده دارد.

۲. حقوق کیفری نوعی رسالت توصیفی دارد و آن آرایه و معرفی ارزشها و مصالح است. هر جرم اقتصادی معرف یک مصلحت و ارزش اقتصادی است. به عبارت دیگر، با جرم‌انگاری در حقوق اقتصادی، ارزشهای اساسی اقتصادی یک جامعه مشخص و تعریف می‌شود.

۳. حقوق کیفری دارای کارکرد حمایتی است. این امر از دو جهت قابل بررسی است: از سویی حقوق جزا با تهدید متخلفین اقتصادی به مجازات، در مقام حمایت از نظام اقتصادی است و با فراهم کردن امنیت کیفری نسبت به بزه دیدگان و جامعه در مقام حمایت از نظام اجتماعی و قربانیان مفاسد اقتصادی است و از سوی دیگر، حقوق کیفری از شهروندان در مقابل خودسری ضابطین و قانون‌گذاران حمایت می‌کند. مانند: رعایت تشریفات دادرسی عادلانه که نوعی حمایت از حقوق متهم است. پس کارکرد حمایتی حقوق جزا دو سویه است:

۱. حمایت از توده مردم و نهادهای مختلف در مقابل اقلیت مجرمین. ۲. حمایت از متهم، مظنون و ... در مقابل دولت، حکومت و دستگاه قضایی از طریق اعمال مقررات دادرسی عادلانه.<sup>۱</sup>

با این مقدمه بنظر می‌رسد حقوق کیفری چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی از یک سری مصالح و ارزشهای اقتصادی دفاع می‌کند، اما از آنجا که اهمیت بسیاری از مصالح و منافع اقتصادی برای مردم و جامعه روشن نیست هنگامی که حقوق جزا نافی این ارزشها را مجازات می‌کند، جامعه به جای طرفداری از حقوق جزا علیه آن بر می‌خیزد چون این تجاوز و نقض ارزشها از قبح ذاتی یا اخلاقی سابقه داری بر خوردار نیست. این تقبیح جدید و قراردادی است و لذا کارایی لازم را ندارد. مثلاً انسانها به راحتی می‌پذیرند که قاتلان اعدام شوند اما نمی‌پذیرند که کسی که کم فروشی یا تقلب در تولید کرده است مجازات سنگینی را متحمل شود. جامعه قبح این اعمال را به اندازه‌ی کافی درک نمی‌کند؛ بنابراین در اینجاست که حقوق جزا در باب توصیف و تبیین جرایم با مشکل روبروست و در این موارد شدیدترین مجازاتها کارساز نیست چون این مصالح برای جامعه جا افتاده نیست.

بعنوان نمونه تا قبل از ۱۹۹۷ میلادی، شرکتهای صادرکننده و واردکننده کالا در عمل برای توفیق در مناقصات بین‌المللی، ناچار به پرداخت رشوه می‌شدند و مبلغی را که برای فروش کالا و صادرات آن به عنوان رشوه به خریدار خارجی پرداخت می‌کردند به عنوان هزینه‌های عمومی وارد دفترهای خود می‌کردند و از مالیاتشان کسر می‌شد. اما در سال ۹۷ کنوانسیون سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۲</sup> این عمل (پرداخت رشوه به خریداران خارجی) را جرم‌انگاری کرد. لذا جرم رشا و ارتشا خارجی مطرح شد.<sup>۳</sup> چنین عملی که در فرهنگ و سنت جا افتاده و جزء قواعد بازی محسوب می‌شد، ناگهان جرم‌انگاری گردید. لیکن افکار عمومی به دشواری این عمل

<sup>۱</sup> علنی بودن، برابری، دو مرحله‌ای بودن ...

<sup>۲</sup> OECD

<sup>۳</sup> در فرانسه، به عنوان نمونه، اخذ رشوه همواره جرم محسوب شده است، ولی این عمل در بازارهای

بین‌المللی نه تنها جرم نبود بلکه به عنوان هزینه‌های عمومی از موارد معافیت و تخفیف مالیاتی

بود.

<sup>۱</sup> Insider Trading/Dealing /délit d'initié

<sup>۲</sup> Code of conduct

## جرم‌شناسی ۲۵۱۱

را تقبیح می‌کند. لذا جای تعجب نیست که موارد اعمال مجازات در مورد این جرایم نادر است.

مثلاً شرکت توتال<sup>۱</sup> در فرانسه به علت پرداخت رشوه به بعضی خریداران خارجی تحت تعقیب قرار گرفت. اتهام مدیر عامل این شرکت، پرداخت رشوه به این خریداران است. در واقع مدیر عامل توتال برای اینکه خریدار خارجی با وی معامله کند به او رشوه داده است. این جرم کاملاً جدید است.<sup>۲</sup> نمونه دیگر، جرم‌انگاری ارتشای کارمند بین‌المللی است. بعنوان نمونه پسر کوفی عنان که کارمند سازمان ملل است در جریان نفت به جای غذا، به عنوان مرتشی بین‌المللی شناخته شده است. این جرم‌انگاریهای جدید قضاوت ارزشی اخلاقی ندارند بلکه مصالح بین‌المللی و جهانی را تضمین می‌کنند. پس رسالت حقوق کیفری اقتصادی بسیار دشوار است، زیرا رفتاری را جرم می‌داند که هنوز در قضاوت عمومی جهانی با تقبیح مواجه نیست. حتی در بسیاری از موارد افراد بزه دیدگی خود را نیز متوجه نمی‌شوند.

حقوق کیفری اقتصادی در مقام حمایت از سلامت، بهداشت و به طور کلی اقتصاد جوامع است. اقتصاد هم به معنای مادی کلمه، هم به معنای حقوق بشری آن که در میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی آمده است.<sup>۳</sup> هرگاه ضمانت اجرایی حتی اگر ماهیتش مدنی باشد زیر چتر حقوق کیفری اعمال شود، کیفری تلقی می‌شود و محکوم علیه هزینه کیفری می‌پردازد یعنی از آثار مجازات مانند محرومیت از حقوق، سوء پیشینه، مرور زمان و ... متضرر می‌شود. اما اگر همان

<sup>۱</sup> TOTAL

<sup>۲</sup> در واقع جرم‌انگاری اخذ رشوه در عرصه بین‌المللی، تحت فشار ایالات متحده صورت گرفت. زیرا در ایالات متحده حتی قبل از سال ۱۹۹۷، این عمل جرم تلقی می‌شد. لذا شرکت های آمریکایی در مناقصات بین‌المللی در کنار رقبای اروپایی که مبادرت به پرداخت رشوه می‌نمودند، بازنده می‌شدند.

<sup>۳</sup> حق بر حداقل شرایط زندگی، بهداشت...

## ۲۵۱۲ مباحثی در علوم جنایی

ضمانت اجرا که در حقوق کیفری آمده است در زیر چتر حقوق اداری اعمال شود آثارش متفاوت خواهد بود. مثلاً در قانون نظام صنفی که با پرداخت جریمه پرونده بسته می‌شود. با در نظر گرفتن آثار ضمانت اجراهای کیفری توصیه می‌شود که حقوق کیفری در فعالیتهای اقتصادی بعنوان آخرین حربه بکار رود.<sup>۱</sup>

### گفتار اول: مفهوم حقوق کیفری اقتصادی<sup>۲</sup>

حقوق کیفری اقتصادی یا حقوق جزای اقتصادی هم حقوق کیفری امور تجاری است<sup>۳</sup> و هم فراتر از آن است. مساله مهم تفکیک این دو عنوان از یکدیگر است. عده‌ای معتقدند عنوان حقوق اقتصادی را آلمانها ساخته‌اند.<sup>۴</sup> زیرا پس از جنگ جهانی

<sup>۱</sup> برخی کشورها از کیفری کردن فعالیتهای اشخاص حقوقی خودداری کرده‌اند با این توجیه که مانع سرمایه‌گذاری بسیاری از شرکتهای چند ملیتی در کشور آنها خواهد شد. چون در سطح فعالیتهای اقتصادی بین‌المللی پرداخت هزینه کم بسیار حایز اهمیت است.

<sup>۲</sup> Droit pénal économique

<sup>۳</sup> Droit pénal des affaires که برخی آنرا حقوق معاملات نامیده‌اند و آن را در کنار حقوق تجارت قرار داده‌اند. دکتر قدک Droit pénal des affaires را حقوق کیفری امور بازرگانی ترجمه کرده است. به موجب این تعریف، حقوق کیفری امور بازرگانی شامل قوانین و مقررات خارج از قانون تجارت می‌شود که جنبه بازرگانی کیفری دارند. پس یک منبع آن حقوق تجارت و منبع دیگر، مقرراتی است که جنبه بازرگانی دارند ولی خارج از قانون تجارت هستند. به عبارتی، حقوق تجارت حقوق بازرگانان و اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در امور بازرگانی است. در کنار این عناوین فرانسویان عنوان دیگری به نام حقوق کیفری اقتصادی یا حقوق جزای اقتصادی درست کرده‌اند که اعم از حقوق کیفری بازرگانی است.

<sup>۴</sup> اگر بخواهیم از جهت تاریخی در مورد مقررات اقتصادی که مربوط به نظم عمومی و جامعه می‌شود بحث کنیم می‌توانیم به مقررات حمورابی رجوع کنیم. در قانون حمورابی که مربوط به حدود ۳۷۰۰ سال قبل است، چند ماده به طور مفصل به بیع، معامله، حمل و نقل... اختصاص داده شده است. علاوه بر آن در مقررات هیتی‌ها که قومی در شمال بین‌النهرین بودند نیز موادی در مورد بیع دیده شده است.

## جرم‌شناسی ۲۵۱۳

اول در آلمان دو قطب در فعالیتهای اقتصادی دخالت می‌کردند. یکی مداخله‌ی دولت برای مدیریت فعالیتهای اقتصادی و دیگری مداخله‌ی قدرتهای خصوصی که به آنان کانزنز<sup>۱</sup> می‌گفتند که کنسرسیوم از آن مشتق شده است. بعد از جنگ دوران صلح و سازندگی است. این دوران، دوران سرمایه‌گذاری و فعالیت برای بخش خصوصی و زمان حفظ منافع عمومی از سوی دولت است.<sup>۲</sup> در امریکا به جای عنوان حقوق اقتصادی عنوان ضد تراست<sup>۳</sup> یعنی حقوق تنظیم‌کننده بازار و رقابت مشروع و سالم استعمال می‌شود.

بدنبال پیدا شدن قوانین و مقررات مربوط به تنظیم رقابت به تدریج در امریکا و سایر کشورهای غربی نهادهای صنفی و اداری مستقلی مثل کمیسیون رقابت، کمیسیون ناظر به مصرف و ... ایجاد شد که وظیفه شان تنظیم بازار از طریق تولید قواعد و مقررات و هنجار است. این نهادها به نوعی در امور اقتصادی قانون‌گذاری می‌کنند. اما چون خصیصه فعالیت های اقتصادی خلاقیت و نوآوری است این مقررات پیوسته در حال تغییر و اصلاحند. لذا حقوق اقتصادی رشته‌ای پویا و دینامیک است. این مقامات اداری مستقل در خصوص مسائل گمرکی، مشارکت و رقابت و فعالیتهای بین‌المللی، مبادرت به تنظیم و تولید مقررات می‌کنند و به تدریج می‌بینیم که فعالیتهای بازرگانی سنتی و فعالیتهای اقتصادی در قالب تراستها جنبه‌ی فراملی پیدا می‌کنند. لذا حقوق اقتصاد داخلی با حقوق اقتصادی بین‌المللی عجین شده و صحبت از جهانی شدن اقتصاد به میان می‌آید. اقتصاد نخستین قلمرویی است که به جهانی شدن کمک کرده است و بهانه‌ای برای جهانی شدن ایجاد کرده است. پس از آن حقوق بشر به میان آمده است که کارش مهار مادیات است، چنانکه حرمت انسان ضمن مراودات اقتصادی قربانی نشود، زیرا در بازار همه چیز (از کلیه انسان

<sup>۱</sup>. konzerns

<sup>۲</sup>. میزان مداخله دولت در اقتصاد در سیستم های لیبرال و ارشادی متفاوت است.

<sup>۳</sup>. Anti Trust

## ۲۵۱۴ مباحثی در علوم جنایی

گرفته تا تلویزیون) قابل معامله و دادوستد است. لذا در کنار جهانی شدن اقتصاد، جهانی شدن حقوق بشر مطرح می‌شود که محدوده فعالیتهای اقتصادی را از نظر رعایت کرامت و منزلت انسانی اشخاص معین می‌کند.

در یک تعریف کلی از حقوق کیفری اقتصادی می‌توان گفت: حقوق کیفری اقتصادی مجموعه قواعد و مقررات کیفری است که هدفشان منحصراً تنظیم و سازماندهی فعالیتهای اقتصادی است. امروزه علاوه بر اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی نیز در زمره تابعان<sup>۱</sup> حقوق قرار دارند و علاوه بر اشخاص حقوق خصوصی، اشخاص حقوق عمومی (در نظامهایی که سیستم اقتصاد دولتی دارند) نیز مورد توجه قرار می‌گیرند. در نتیجه حقوق اقتصادی حقوقی است که نقطه مقابل حقوق کیفری امور تجاری است. حقوق کیفری امور تجاری یک حقوق لیبرال و در خدمت سرمایه است، اگر چه این حقوق با تهدید متخلفین به مجازات ممکن است مانعی در فعالیتهای اقتصادی بوجود آورد اما هدف نهایی آن تنظیم روابط در قلمرو فعالیتهای اشخاص-بالاخص شرکت‌ها- است حال آنکه حقوق کیفری اقتصادی بیشتر بعد مدیریتی دارد. این اداره و مدیریت ممکن است حمایت گر باشد یا نباشد ولی مهم، تقویت بعد کارایی است.

ماهیت حقوق کیفری اقتصادی بر اثر اینکه نوع نظام ما از جهت اقتصادی لیبرال یا ارشادی باشد، متفاوت است. در نظام های ارشادی حضور دولت بسیار پررنگ است لذا گستره حقوق کیفری اقتصادی گسترده است. ولی در نظام لیبرال چون حمایت از سرمایه مهم است حتی المقدور تخلفات اقتصادی با ضمانت اجراهای صنفی، اداری و غیر کیفری پاسخ داده می‌شوند.

در مورد تفکیک بین حقوق کیفری اقتصادی و حقوق کیفری امور تجاری اجماع وجود ندارد. عده‌ای معتقدند حقوق امور تجاری زیر مجموعه حقوق اقتصادی است

<sup>۱</sup>. Subjects

## جرم‌شناسی ۲۵۱۵

و عده‌ای عکس این نظر را دارند. در برخی موارد این دو عنوان را یکی تلقی می‌کنند، پس در واقع نوعی تداخل بین این دو رشته وجود دارد.

قلمرو حقوق کیفری اقتصادی که شامل حقوق امور تجاری نیز می‌شود خیلی گسترده است. در خصوص قلمرو آن می‌توان به حقوق بورس، رقابت، حمل و نقل، محیط زیست، گمرکی، مالیه عمومی، حقوق کار و ... اشاره کرد. اگر بپذیریم تخلفات زیست‌محیطی در قلمرو حقوق کیفری اقتصادی قرار دارد، می‌توان گفت این حقوق با حقوق بشر مرتبط است، چون حفاظت از محیط زیست به عنوان نسل سوم حقوق بشر مورد حمایت است، لذا فعالیت‌هایی که مثلاً مولد گازهای گلخانه‌ای و موجب آلودگی محیط زیست می‌شوند، جرم اقتصادی زیست‌محیطی محسوب می‌شوند که با حقوق بشر مرتبط است.

اما در تعریف جرم از منظر حقوق اقتصادی داخلی می‌توان گفت: از یک سو در رویه قضایی و از سوی دیگر در آموزه‌های کشورهای ما راجع به جرم اقتصادی تعریف خاصی وجود ندارد. تنها قانون مرتبط، قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ است که در آنجا سیاق جرم‌انگاری و سیاه‌ی جرایم اگرچه سنتی است اما در مقام حمایت دولت در مقابل ضربه زدن به نظم اقتصادی است. در حقوق فرانسه در یک رای دیوان آن کشور جرم اقتصادی تعریف شده است به این شکل که: جرم اقتصادی جرمی است که مربوط به تولید، توزیع و جریان و مصرف کالا و تولیدات می‌شود و چون تولید و توزیع و جریان و مصرف با پول مرتبط است، لذا جرایم اقتصادی به پول هم ارتباط پیدا می‌کند و چون تخلفات مربوط به مراحل تولید، توزیع و ... در نهایت به نظام اقتصادی کشور خسارت می‌زند لذا دولت این موارد را با وضع قانون مدیریت می‌کند. به عبارت دیگر در حقوق کیفری اقتصادی دولت با جرم‌انگاری اعمال و وضع مجازات یک نوع مدیریت کیفری در حقوق اقتصادی انجام می‌دهد.

## ۲۵۱۶ مباحثی در علوم جنایی

در آموزه‌های کشور فرانسه دو تعریف از حقوق کیفری اقتصادی وجود دارد: تعریف مضیق که بموجب آن «حقوق کیفری اقتصادی قوانین و مقرراتی است که مربوط به قیمت‌ها و رقابت است» و مفهوم موسع که علاوه بر قیمت‌ها به عملیات بانکی، بورس، صنعت ساخت و ساز، عملیات شرکت‌های تجاری و ... هم می‌پردازد. به عبارت دیگر قلمرو حقوق کیفری اقتصادی صرفاً تنظیم بازار قیمت‌ها نیست و می‌توان گفت حقوق کیفری اقتصادی مجموعه قوانین کیفری ماهوی (جرایم و مجازات‌ها) شکلی (آیین دادرسی و سازمان و تشکیلات قضایی خاص این جرایم) را شامل می‌شود و در نهایت این قوانین کیفری در جهت منافع کشور و نظم عمومی تنظیم می‌شود. اگر اصطلاح حقوق کیفری فنی یا حقوق کیفری خاص<sup>۱</sup> (به تعبیر استاد پرادل) را برای این رشته به کار بریم اغراق نکرده ایم.

بنابراین حقوق جزا به عنوان یک بازو برای کنترل و تنظیم امور اقتصادی است. لیکن عده‌ای معتقدند تهدید امور اقتصادی یا سوژه‌های اقتصادی مانعی بر سر راه سرمایه‌گذاری است. به همین علت طرفدار کیفرزدایی و حذف حقوق کیفری اقتصادی اند. در مقابل عده‌ای معتقدند از آنجا که در دنیای اقتصاد همه چیز حتی کرامت انسان قابل عرضه و معامله و تبدیل به پول است و چون در فعالیت‌های اقتصادی سود و تولید سرمایه مورد توجه است لذا لازم است حقوق کیفری جلوی سوء استفاده‌ها بگیرد. به نظر می‌رسد امروزه در سطح داخلی و بین‌المللی، نگاه دوم، یعنی کیفری کردن فعالیت‌های اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. البته در کشورهایی که سنت لیبرالیسم حاکم است، دیدگاه کیفر زدایی غالب است.

<sup>۱</sup> در کنار حقوق کیفری اقتصادی، حقوق کیفری خاص برای رشته‌های دیگر مطرح شده است: مانند

حقوق کیفری پزشکی، حقوق کیفری محیط زیست و ... در خصوص تعریف جرم اقتصادی

رک: نیکلا کلوز و بچر، جرم اقتصادی و کنترل آن، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی

دادگستری، ویژه نامه جرایم اقتصادی، در نوبت چاپ.

## جرم‌شناسی ۲۵۱۷

در کنار حقوق کیفری اقتصادی، می‌توان به حقوق تخلفات صنفی و قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲ اشاره کرد. در این قانون از جرایمی که تا آن تاریخ در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی بوده جرم‌زدایی شده و صلاحیت رسیدگی به این اعمال به اتحادیه‌ها و نظام‌های صنفی خاص آن رشته‌ها سپرده شده است. در کنار حقوق کیفری و مجازات، در واقع با ضمانت‌اجراهای صنفی غیر سرکوبگر و غیر قضایی مواجهیم که روابط اقتصادی را تنظیم می‌کنند. پس حقوق جزا یکی از سازوکارهای تنظیم فعالیت‌های اقتصادی در حوزه‌های با اهمیت برای قانون‌گذار است. نتیجه آنکه قانون نظام صنفی از یک سری اعمال جرم‌زدایی<sup>۱</sup> و آنها را به تخلف تبدیل کرده است.

---

<sup>۱</sup> در بحث کیفرزدایی که ترجمه *dépénalisation* است و معمولاً ماهیت جرم باقی، لیکن کیفر را از آن می‌زداییم، به دو شیوه متوسل می‌شویم:

۱. کیفرزدایی مطلق که در آنها نظام کیفری را کنار گذاشته و به سازوکارهای جدیدی می‌پردازیم که می‌توانند خصوصی یا اداری باشند.

۲. کیفرزدایی نسبی که در آن با دستکاری عناصر جرم و با تغییر ضمانت‌اجرای جرم، بار کیفری را سبکتر می‌کنیم، مثلاً اثبات جرم را دشوارتر می‌سازیم یا مجازات را سبکتر می‌کنیم. کلاً ۵ مدل کیفرزدایی و جرم‌انگاری وجود دارد:

۱ - کیفرزدایی مطلق: در این مدل، حقوق کیفری کلاً کنار گذاشته شده و عمل مجرمانه به یک شبه جرم و یا تخلف اداری تبدیل می‌شود. مانند تخلفاتی که تحت پوشش قانون نظام صنفی قرار گرفته است.

۲- کیفرزدایی نسبی: در این مدل، مجازات مجرمین تخفیف داده می‌شود مثلاً حبس به جزای نقدی تبدیل می‌شود به این امر، خلافی کردن جنحه‌ها و جنحه‌ای کردن جنایات نیز گفته می‌شود. شیوه‌ی دوم در کیفرزدایی نسبی دستکاری کردن عناصر جرم است.

۳- کیفرزدایی صفر: در این مدل بین اعمالی که جرم‌زدایی شده و از شمول قانون خارج می‌شوند و اعمالی که جدیداً وارد قانون جزا می‌شوند تعادل برقرار می‌شود. این امر به منظور کاهش تورم کیفری صورت می‌پذیرد. در جرم‌زدایی صفر ما به دنبال کارایی بخشیدن به حقوق جزا هستیم.

## ۲۵۱۸ مباحثی در علوم جنایی

آیا برای تنظیم فعالیت‌های اقتصادی بهتر است از سازوکارهای کیفری استفاده کنیم یا حقوق کیفری را به نفع سازوکارهای صنفی و اداری (جامعه مدنی) محدود کنیم؟ در صورت مداخله حقوق کیفری در امور اقتصادی و تجاری، آیا بهتر است عنوان حقوق کیفری امور تجاری (حقوق کیفری معاملات) را برای آن برگزینیم یا حقوق اقتصادی را انتخاب نماییم؟

به طور کلی قلمرو این دو رشته کاملاً مشخص نیست. نویسندگان در مورد گستره این دو رشته متفق‌القول نیستند. عده‌ای معتقدند که حقوق کیفری معاملات طرفدار سرمایه‌داری است و برای اینکه سرمایه متکثر شود مداخله حقوق کیفری نیاز است. پس مداخله حقوق کیفری برای نوعی مدیریت و ایجاد مانع در مقابل سرمایه نیست، بلکه بدنبال ایمن‌سازی است. حقوق کیفری اقتصادی یک نوع مدیریت فعالیت‌های اقتصادی است. یعنی دولت، حکومت، ارشادگری می‌کند و در مقام حمایت از نظام اقتصادی است. وقتی صحبت از نظام اقتصادی می‌شود بلافاصله بحث تولید و توزیع و مصرف ثروتها و تولیدات مطرح می‌شود. عده‌ای دیگر گفته‌اند که حقوق کیفری معاملات رشته‌ای از حقوق خصوصی است، چون مرتبط با منافع فردی و اشخاص

---

کارایی حقوق جزا در پرتو تورم کیفری تضعیف می‌شود. تورم کیفری به اصل جهل به قانون رافع مسولیت نیست لطمه می‌زند و سبب تزلزل قضاوت ارزشها می‌شود.

جرم‌انگاری نیز انواعی دارد:

۱- جرم‌انگاری مطلق: در این مدل، عملی که اصولاً مشمول قانون نبوده یا مشمول قوانین اداری بوده به جرم تبدیل می‌شود. مانند جرم‌انگاری فعالیت شرکت‌های هرمی (گلد کوئست).

۲- جرم‌انگاری نسبی: در این مدل، مجازات یا به عبارتی ضمانت‌اجراهای پیش‌بینی‌شده در قانون بطور نسبی افزایش داده می‌شود و یا تعریف قانون از جرم، باعث توسعه عنصر مادی جرایم می‌گردد، بدین معنی که عنصر مادی طوری می‌شود که شاکی و دادستان راحت‌تر بتواند آن جرم را تعقیب و اثبات کند. قانون تشدید مجازات کلاهبرداری نمونه‌ای از این جرم‌انگاری محسوب می‌شود.

خصوصی است. اما حقوق کیفری اقتصادی رشته‌ای مربوط به حقوق عمومی است، چون اقتصاد ملازمه با حاکمیت و تصدی‌گری دارد و در نتیجه حقوق کیفری اقتصادی بیشتر در قلمرو حقوق عمومی است. حقوق کیفری معاملات بیشتر به جرایم مالی توجه دارد که این جرایم بیشتر با نقدینگی و پول مرتبطند. جرایم مالی ممکن است جنبه خصوصی داشته باشند، مثل سوء استفاده از اموال شرکت یا اختلاس (با این توضیح که امروزه اختلاس صرفاً شامل بخش عمومی نیست بلکه آنچه خیانت در اموال شرکت نامیده می‌شد<sup>۱</sup> در کنوانسیون مریدا و حقوق فرانسه اختلاس نام گرفته است.) و ممکن است جنبه عمومی داشته باشد مثل جرایم مالیاتی. اما برعکس مرجع اصلی جرم اقتصادی پول نیست بلکه اقتصاد است. یعنی ساختارهای مربوط به تولید و توزیع و مصرف ثروتها و تولیدات در مکان و زمان معین را در بر می‌گیرد. پس در جرایم مربوط به معاملات، بیشتر جنبه خصوصی جرم پررنگ است ولی در جرایم اقتصادی جنبه عمومی مطرح است. می‌توان گفت حقوق کیفری معاملات بیشتر مصالح و منافع فردی را دنبال می‌کند ولی حقوق کیفری اقتصادی بیشتر به دنبال تامین مصالح و منافع عمومی است.<sup>۲</sup>

در خصوص قلمرو این دو رشته نیز اتفاق نظر وجود ندارد: عده‌ای گفته‌اند جرایمی که زیر عنوان حقوق کیفری اقتصادی مطالعه می‌شوند امروزه صرفاً مالی نیستند، بلکه جرایم جنبه اجتماعی یافته‌اند و به کیفیت زندگی مربوط می‌شوند، یعنی علاوه بر جرایم مالیاتی و جرم گمرکی، جرایم علیه کیفیت زندگی (نسل سوم حقوق بشر) یعنی جرایم مربوط به محیط زیست، کار، حقوق تامین اجتماعی و ... را نیز شامل می‌شوند.

حمایت از مصالح و مفاهیم سستی مانند مالکیت (کلاهبرداری)، اعتماد عمومی (رشا و ارتشا)، تمامیت جسمانی افراد (مقابله با حوادث ناشی از کار) در حقوق کیفری جایگاه مشخصی دارد، اما بحثی که مطرح است این که بعضی از این جرایم مانند جرایم علیه محیط زیست که حادثه چرنوبیل یکی از موارد آن است، در ذیل حقوق کیفری اقتصادی آمده‌اند و دیگر صرفاً آثار فردی و خصوصی نداشته و عمومی و بعضاً جهانی هستند. دوم اینکه امروزه حتی آن دسته از مصالح فردی که در قالب حقوق تجارت یا حقوق امور تجاری مطالبه می‌شود با نظام اقتصادی بی ارتباط نیست و بسته به اینکه سیستم اقتصادی ما لیبرال، دولتی، باز، بسته و ... باشد، موضوع متفاوت خواهد بود. پس با قوت نمی‌توانیم جرایم اقتصادی را از جرایم معاملاتی تفکیک کنیم. به عبارت دیگر نویسندگان گاه حقوق کیفری امور تجاری را هم چون یک رشته حقوقی استکباری (امپریالیستی) تعریف می‌کنند، یعنی رشته‌ای که حقوق کیفری اقتصادی بخشی از آن است. عده‌ای دیگر برعکس معتقدند که حقوق کیفری امور تجاری در ذیل حقوق کیفری اقتصادی قرار دارد. امروزه جهانی شدن به این بحث دامن زده است،<sup>۱</sup> اقتصاد کشورها دیگر حالت منزوی و ایزوله نداشته و با هم مرتبط است چون سازمان ملل بیش از پیش در زمینه مسایل تجاری و اقتصادی کنوانسیونهایی را تصویب کرده و بسیاری از عناوین مجرمانه مرتبط با اقتصاد کشورها را به بخش خصوصی نیز تسری داده است.<sup>۲</sup> جرایمی مانند اختلاس، رشا و ارتشا یا

<sup>۱</sup> در این خصوص ر.ک: دلماس-مارتی، حقوق کیفری و جهانی شدن، ترجمه دکتر نجفی‌ابرنادآبادی، دیپاچه در نظام های بزرگ سیاست جنایی، جلد دوم، نوشته دلماس-مارتی، ترجمه دکتر نجفی‌ابرنادآبادی.

<sup>۲</sup> امروزه بخش خصوصی بویژه در کشورهای لیبرال و حتی کمونیستی پیشرفت عجیبی در قلمرو فعالیتهای اقتصادی داشته است.

<sup>۱</sup> le délit d'abus des biens sociaux

<sup>۲</sup> بطور کلی، بزه دیده در حقوق کیفری معاملات، شرکت تجاری و اموال آن است حال آنکه در حقوق کیفری اقتصادی، اقتصاد کل یک جامعه می‌باشد.



## جرم‌شناسی ۲۵۲۱

تسری جرم رانت‌خواری (سوءاستفاده از سمت) از بخش دولتی به خصوصی از این دسته‌اند.<sup>۱</sup>

امروزه می‌توان گفت مرز بین حقوق کیفری معاملات و حقوق کیفری اقتصادی مخدوش شده است. لذا یک نگاه سوم و بینابینی وجود دارد و برخی نویسندگان در کتابهای خود این دو عبارت را با یکدیگر آورده‌اند. علت این ابهام تا اندازه‌ای ساختگی یا نو پابودن رشته حقوق اقتصادی است و نویسندگان فرانسوی که سعی کرده‌اند میان حقوق کیفری معاملات و حقوق کیفری اقتصادی تفکیک قایل شوند اتفاق نظر نداشته و خصوصیات را برای تقسیم بندی خود مطرح می‌کنند که مطلق نیست. اماره‌هایی در مورد ممتاز بودن این رشته از حقوق جزا وجود دارد. خانم دلماس مارتی تعریفی از حقوق کیفری امور تجاری ارائه کرده است: حقوق کیفری امور تجاری و معاملات شعبه‌ای از حقوق کیفری است که از یک طرف لطمات علیه نظم مالی - نظم اقتصادی - نظم اجتماعی و نظم زیست محیطی را کیفر می‌دهد و از سوی دیگر لطمات علیه مالکیت، اعتماد عمومی، تمامیت جسمانی اشخاص (مانند: حوادث ناشی از کار) را مجازات می‌کند. بنابراین می‌توان گفت یکی از شاخه‌های فنی و اختصاصی اختصاصی است. البته این دو دسته از جرایم باید در یک بنگاه یا موسسه ارتکاب یابد و ارتکاب این جرایم باید یا به حساب موسسه و به نام شخص حقوقی اتفاق بیافتد مانند جرایم مالیاتی یا اینکه به حساب و به نام خود مرتکب مانند سوء استفاده از اموال شرکت.

ویژگی دیگر این جرایم این است که باید در ارتباط با اختیارات تصمیم‌گیری و حرفه و شغل افراد ارتکاب پیدا کند. بنابراین اگر مدیرعامل در دفتر خود منشی شرکت را به قتل برساند جزء این جرایم به حساب نمی‌آید، اما اگر از حسابهای

<sup>۱</sup> امروزه دولتها بیش از گذشته تلاش می‌کنند تا نظاره‌گر باشند و فعالیتها را به بخش خصوصی واگذارند. به موجب اصل ۴۴ ق.ا. شرکتها و موسسات دولتی به بخش خصوصی واگذار می‌شود.

## ۲۵۲۲ مباحثی در علوم جنایی

شرکت برداشت کند چون در ارتباط با اختیارات قانونی اش بوده است، یک جرم معاملاتی محسوب می‌شود. بدین ترتیب در تعریف خانم دلماس مارتی موسسه و بنگاه نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ به نظر ایشان یک بنگاه، یک واحد تصمیم‌گیری در قلمرو تولید، حمل و نقل و جریان ثروت، مصرف و ... است. تعریف خانم مارتی از موسسه و بنگاه مشابه تعریف از جرایم اقتصادی است که جرایمی هستند که به ساختارهای تولید، توزیع و مصرف، خسارت می‌زنند.<sup>۱</sup> لذا تعریفی که خانم دلماس - مارتی از حقوق کیفری معاملات می‌دهند با حقوق کیفری اقتصادی نوعی تداخل می‌یابد. ملاحظه می‌شود که تفکیک دو رشته کار مشکلی است. اما دشواری تفکیک این دو رشته باید ناشی از نو بودن و جدید بودن رویکرد مولفین به این جرایم باشد. اگر در تفکیک این دو رشته مشکل داریم به این جهت است که جرایم تجاری، جرایم مالیاتی و جرایم اقتصادی در مقایسه با جرایم فطری، ذاتی و اخلاقی و دینی مثل قتل، ضرب و جرح و ...، در نیم قرن اخیر مورد توجه حقوقدانان و جرم‌شناسان و جامعه شناسان قرار گرفته است که قبلاً اساساً تعریف نشده و یا به شکل امروزی آن وجود نداشت. به عبارت دیگر حقوق کیفری، حقوق کیفری افراد فقیر و متعلق به طبقات متوسط جامعه است. در حقوق کیفری مصالح کلاسیک و سنتی (امنیت کشور، تمامیت جسمانی افراد و ...) مد نظر است. جرم‌شناسان قبل از هر چیز به مطالعه جرایمی مانند: قتل، سرقت، تجاوز به عنف و ... پرداخته‌اند. از نظر فرهنگی قبل از هر چیز افراد بیکار و فاقد هویت و افراد بی بضاعت در معرض ارتکاب جرم هستند. در نتیجه جای تعجب نیست که در مطالعات اولیه جرم‌شناسی، بزهکار فردی است که دارای نارسایی روانی، زیست‌شناختی و اجتماعی است. فردی است که با افراد غیر

<sup>۱</sup> با این تفاوت که در تعریف حقوق کیفری معاملات، تولید و توزیع ثروت داخل شرکت و موسسه تجاری است حال آنکه در حقوق کیفری اقتصادی تولید، توزیع و مصرف می‌تواند خارج از آن باشد.

## جرم‌شناسی ۲۵۲۳

مجرم متفاوت است. فردی کودن و دارای ضریب هوشی پایین است. با ترسیم چنین نیم رخ از مجرم در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ جای تعجب نیست که اثری از جرایم نخبگان جامعه و جرایم طبقه توانمند در جرم‌شناسی نمی‌بینیم. لذا این رشته را رشته‌ای نوپا و تصنعی می‌نامند، چون در مقابل حقوق کیفری عمومی نوپاست. توجه به طبقه فرا دست یا ممتاز جامعه در حقوق جزا و جرم‌شناسی به اواخر دهه‌ی ۴۰ قرن ۲۰ در امریکا بر می‌گردد. در حدود سالهای ۱۹۴۰، ادوین ساترلند جامعه شناس امریکایی به مطالعه‌ی سابقه‌ی بزهکاری ۷۰ شرکت در امریکا پرداخت. در این بررسی وی دریافت که در دوره‌ی مطالعاتی وی این شرکتها حداقل دو جرم مرتکب شده اند و در برخی موارد تکرار کننده‌ی جرم‌اند، اما فقط به خاطر برخی از آنها محکوم شده و این محکومیت موجب رسوایی آنها نشده، حال آنکه محکومیت برای یک فرد بی بضاعت دارای آثار رسواکننده شدیدی است. وی نتیجه گرفت که این شرکتها به لحاظ نفوذ سیاسی و اجتماعی موفق شده اند از طول دستگاه قضایی عبور کرده و به لحاظ شهرتی که دارند افکار عمومی به سختی می‌پذیرند که آنها واقعاً مجرم باشند. بدین ترتیب آقای ساترلند عنوانی را مطرح کرد به نام: بزهکاران یقه سفید یا نخبه. این عنوان ۱- با وضع ظاهری در فرهنگ امریکا در ۵۵ سال قبل و وضع تصمیم گیران شرکتها ملازمه دارد. ۲- در تعریف ساترلند بزهکاران یقه سفید، بزهکاران قابل احترامند.<sup>۱</sup> ۳- متعلق به طبقات بالای اجتماعند. ۴- جرایمشان مربوط به فعالیت و حرفه ایشان است. لذا وی با طرح نظریه بزهکاران یقه سفید انقلابی در حقوق کیفری و جرم‌شناسی ایجاد کرد. زیرا تا آن مقطع تمرکز بیشتر بر روی قتل، قمار، ضرب و جرح و ... بود ولی در این زمان گرانیگاه و مرکز ثقل حقوق کیفری تا اندازه‌ای به فضای جدیدی به نام معاملات و تولید و ... منتقل شد. ۵- ساترلند نشان داد که اتفاقاً

## ۲۵۲۴ مباحثی در علوم جنایی

افراد باهوش و دارای سمت هم مرتکب جرم می‌شوند و بزهکاری خاص طبقه پایین نیست اما این دیدگاه یعنی بزهکاری یقه سفید، در عصر خود صرفاً یک نگاه فرهنگی و جامعه‌شناختی در جامعه امریکا بود که ثروت رادر ید یک گروه خاص تلقی می‌کرد. صاحبان پول و ثروت و ابزار تولید عده‌ای قلیلند و لذا عنوان یقه سفید دقیقاً شایسته آنهاست اما با گذشت زمان دیده شد که عنوان بزهکاران یقه سفید آنچنان که ساترلند در دهه ۴۰ مطرح کرد با واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی مطابقت ندارد. این عنوان مقطعی بوده و امروزه عنوان جامع و مانعی نیست زیرا ۱- در این فاصله ثروت‌ها توزیع شده و بین تولید کنندگان و مصرف کنندگان قشر جدیدی متولد شده به نام مدیران یا تکنوکراتها که به نمایندگی از سرمایه داران ثروت ایشان را اداره می‌کنند. این دسته به جز تحصیلات عالی، وابستگی به طبقات بالای جامعه ندارند. به بیان دیگر می‌توان گفت فعالیت‌های تجاری دموکراتیزه شده و به طبقات پایین نفوذ کرده است. ۲- بسیاری از جرایم اقتصادی را افراد عادی می‌توانند مرتکب شوند مانند جرایم بیمه‌ای. در نتیجه می‌توان گفت تقلبات مالی دیگر خاص طبقه دارا و ثروتمند نیست. به این ترتیب به جای اصطلاح جرم یقه سفیدی که جنبه غیر حقوقی و فرهنگی دارد، امروزه جرم اقتصادی و به قول عده‌ای جرم معاملاتی را مطرح کرده اند. اما از نظر حقوقی تعریف جرم اقتصادی و تعیین مصادیق آن دشوار است. بین جرم اقتصادی و معاملاتی تداخل وجود دارد. از نظر جرم‌شناختی این تعریف چگونه است؟

در قلمرو جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی، جرم اقتصادی با تعاریف مختلفی همراه بوده است. بر اساس معیارهای مختلف تعاریف متفاوتی ارائه شده است. این معیارها می‌تواند یکی از موارد زیر باشد:

۱. از نظر موقعیت اجتماعی مرتکب: مانند معیار ساترلند

<sup>۱</sup> عنوان بزهکار یقه سفید در برابر عنوان بزهکار یقه آبی که بزهکاران سنتی (از طبقات فروست) را شامل می‌شود، عرضه گردید.

## جرم‌شناسی ۲۵۲۵

۲. یا بر اساس ماهیت حقوقی عمل ارتكابی: این که آیا یک جرم ماهیت کیفری دارد یا مسئولیت انضباطی و اداری؟

۳. بر اساس نوع سوء قصد یا سوء نیت: جرم عمدی و غیر عمدی

۴. بر اساس انگیزه: مثلاً برای کسب سود، قدرت یا پرستیژ اجتماعی. بدین جهت است که جرایم اقتصادی در برخی مواقع با جرایم سیاسی و دنیای سیاست شریکند.

جرایم اقتصادی در بستر سیاسی هم ارتكاب می‌یابند. جرم سیاسی مستلزم نوعی اغماض و تساهل محیط‌های سیاسی است. در واقع بین این دلبده بستان وجود دارد.

۵. بر اساس موقعیت بزه دیده یا شاکی: بزه دیده ممکن است عامه مردم باشند. در جرایم علیه مصرف‌کننده، بزه دیدگان گاهی افراد چند شهر یا حتی چند کشورند و

یا ممکن است می‌توانند خود اشخاصی باشند که در دنیای اقتصاد فعالیت می‌کنند. یعنی جرم علیه همکاران و عاملان اقتصادی باشد. جرم اقتصادی ممکن است علیه

کارفرما ارتكاب یابد. مثلاً بزه دیده می‌تواند در جرمی مانند خیانت در اموال شرکت، شرکت باشد یا سهامداران. پس بزه دیدگان گاه منفرد و گاه به صورت دسته

جمعی‌اند.

۶. بستر اقتصادی جرایم: جرم اقتصادی نیاز به یک زمینه<sup>۱</sup> دارد که آن مجموعه

اقتصاد یک جامعه، یک منطقه یا اقتصاد جهانی است، همچنانکه زمینه جرم تجاری یا معاملات یک موسسه، بنگاه و یا یک شرکت تجاری است. امروزه میتوان گفت

شرکتها و بنگاههای بظاهر مشروعی وجود دارند که در عمل فعالیتهای مجرمانه انجام می‌دهند، مثلاً موسسه اخذ پذیرش یا کاریابی در دبی و پاکستان ممکن است در عمل

افراد را برای کارهای خلاف قانون استخدام کند. این گونه اقدامات نامشروع و غیرقانونی در حیطه حقوق کیفری معاملات (بازرگانی) رسیدگی می‌شود.

## ۲۵۲۶ مباحثی در علوم جنایی

۷. درجه‌ی ظرافت اعمال: یکی از خصایص جرایم اقتصادی شیوه‌ی ارتكاب آنها است. در ارتكاب این جرایم از حيله و نیرنگ و به اصطلاح فسفر استفاده می‌شود،

حال آنکه در جرایم عادی عامل جرم استفاده از کلسیم و بازوست (جرایم کلسیمی). پس ظرافت در ارتكاب این جرایم (اقتصادی) بسیار بالاست. جرایم اقتصادی چون

فنی و تخصصی است نیازمند دادرسی خاص است.

۸. واقعیات بوجود آورنده جرم: اوضاع و احوالی که جرم را ایجاد می‌کنند مانند

اعتماد. فعالیت اقتصادی بر اعتماد، سرعت یا صلاحیت و مهارت لازم برای فعالیتهای اقتصادی استوار است. بدین ترتیب یک عامل اقتصادی از آن صلاحیت و مهارت

حرفه‌ای در موقعیت و فرصت مناسب سوء استفاده می‌کند.

۹. واکنش اجتماعی ناشی از این جرایم شبیه جرایم متعارف نیست و جامعه به

گونه دیگر واکنش نشان می‌دهد. جرایم اقتصادی به طور کلی منجر به رسوایی و تقبیح عمومی نمی‌شوند و به اصطلاح حساسیت برانگیز نیستند. در مقایسه با جرایم

متعارف واکنش اجتماعی به این جرایم کم رنگ است. از این معیار هنگام تحلیل خصایص حقوق کیفری اقتصادی بیشتر سخن خواهیم گفت.

در یکی از تعاریفی که در سال ۱۹۹۹ از جرم اقتصادی شده است ۶ معیار غالب

در نظر گرفته شده است :

۱. جرم اقتصادی در بستر دنیای اقتصاد و در چارچوب فعالیتهای اقتصادی اتفاق

می‌افتد.

۲. جرم اقتصادی نیاز به زور و فشار ندارد، بلکه گاه از نیرنگ و حيله سستی و گاه

فن آوریهای مدرن مانند رایانه استفاده می‌شود.

۳. جرم اقتصادی مستلزم استفاده وبه نمایش گذاشتن مهارت و شناخت و

تخصص و آموزش فراگرفته شده توسط فرد مرتکب است. به عبارت دیگر این دسته از جرایم با یک مهارتی ملازمه دارند. سرقت را همه می‌توانند مرتکب شوند اما

<sup>۱</sup>. context

اختلاس یا ارتشا را کسانی می‌توانند مرتکب شوند که وابستگی شغلی خاصی داشته باشند و افرادی مطلع و ماهر باشند.

اصولاً مرتکبین جرایم اقتصادی یا به دنبال کسب ثروتند یا ارتکاب جرم اقتصادی به منظور حل یک مساله اقتصادی است. مانند نجات شرکت یا حل یک بحران. مثلاً وقتی که نرخ ارز به لحاظ سیاست های یک دولت بالا می‌رود، کشور مورد تحریم قرار می‌گیرد، ناگهان ده ها شرکت دچار بحران می‌شوند، نقدینگیشان کم می‌شود و بناچار برای حفظ کشتی تجارت خود از بانک وام می‌گیرند یا در تولیدشان از قطعات غیر استاندارد استفاده می‌کنند. این قبیل جرایم نوعاً نه به منظور کسب ثروت بلکه برای نجات سرمایه و شرکت در آن مقطع است. به عبارت دیگر یک مانور اقتصادی برای فرار از بحران است.

۴. در جرایم اقتصادی نوعی سوء استفاده از اعتماد وجود دارد. این جرایم به اعتماد عمومی لطمه می‌زنند و تشویش و ناامنی اقتصادی ایجاد می‌کنند. به همین دلیل است که شفاف‌گرایی در حقوق اقتصادی به عنوان یک اصل ارائه می‌شود.<sup>۱</sup>

۵. جرم اقتصادی خسارات و زیانهای مالی قابل توجهی ایجاد می‌کند. حجم خسارات مالی ناشی از این جرایم بسیار زیاد است. همچنین باعث سلب اعتماد عمومی نسبت به یک بازرگان و یا یک شرکت تجاری می‌شود.

۶. جرم اقتصادی در بستر اقتصادی، علیه اعتماد عمومی و با هدف کسب ثروت یا حل مشکل اقتصادی توسط یک فرد در چارچوب فعالیتش و بدون توسل به خشونت ارتکاب می‌یابد. جرایم اقتصادی گاه نقض مرام نامه، اخلاق حرفه‌ای و مقررات خاص یک فعالیت و شرکت است تا نقض مقررات عمومی جامعه.

در سال ۱۹۸۰ تعریف دیگری ارائه شد که در آن از ۴ معیار نام برده شد :

جرم اقتصادی به مناسبت انجام وظایف حرفه‌ای قانونی در بخش خصوصی یا به مناسبت انجام یک برنامه دولتی ارتکاب می‌یابد<sup>۱</sup>

۱. جرم اقتصادی اعتماد عمومی را که در فعالیتهای اقتصادی حایز اهمیت است، نقض می‌کند.

۲. در جرایم اقتصادی توسل به خشونت و آلت مجرمانه کلاسیک وجود ندارد.

۳. هدف از ارتکاب جرایم اقتصادی یا کسب پول است یا کسب قدرت یا کسب یک موقعیت اجتماعی. اینجاست که جرایم اقتصادی به دنیای سیاست بسیار نزدیک می‌شوند. کافی است در این خصوص به جرایم انتخاباتی اشاره کنیم. در اینجا هدف لطمه زدن به اقتصاد نیست اما محافل اقتصادی، شرکتها و ... برای داشتن عامل در مجلس، بخشی از هزینه فعالیتهای انتخاباتی نامزد های مجلس، ریاست جمهوری و ... را تقبل می‌کنند، با این امید که با راه یافتن این افراد به مجلس یا سایر پست ها تصمیماتی به نفع این گروهها اتخاذ شود: مثلاً طرحی در مجلس تصویب شود که سود بازرگانی واردات خودرو را کم کند یا تسهیلات صادرات را بیشتر نماید.

در سال ۲۰۰۲ تلفیقی از تعاریف ارائه شد: جرم اقتصادی به طور کلی به ۴ خصیصه پاسخ می‌دهد یعنی لازمه آن وجود ۴ عامل است: ۱- وجود ساختارها و مبنا های اقتصادی سالم.<sup>۲</sup> ۲ جرم اقتصادی در چنین بستر سالمی در قالب قرارداد و روابط اقتصادی و با همکاری نهادهای دولتی یا به صورت مستقل صورت می‌گیرد. ۲- کنارگذاری عنصر خشونت. در این جرایم خشونت فیزیکی وجود ندارد، حتی تهدید به خشونت فیزیکی هم وجود ندارد. در این جرایم ابزار جرم به شکل سنتی وجود ندارد. ۳- جرم اقتصادی با نوعی فرصت طلبی مجرمانه ملازمه دارد. این فرصت

<sup>۱</sup>. بازسازی و نوسازی آلمان شرقی بعد از فروپاشی دیوار برلین برنامه‌ی دولتی بودند که موجب فساد فراوانی شدند.

<sup>۲</sup>. در سازمانهای مافیایی که خودشان ذاتاً مجرمانه‌اند دیگر جرم اقتصادی معنا ندارد.

<sup>۱</sup>. در این خصوص ر.ک: جعفری، امین، شفافیت تجاری در حقوق کیفری اقتصادی، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، در نوبت چاپ.

طلبی ارتباط تنگاتنگی با درجه هوش و صلاحیت حرفه‌ای و شغلی مرتکبین و میزان اعتماد افراد به آنها دارد. جرایم اقتصادی در محدوده اختیارات افراد است. لذا این بزهکاران برای جامعه خطرناک‌ترند، زیرا هم جامعه پذیرند، هم از سازگاری اجتماعی بسیار بالایی برخوردارند، از قوانین و مقررات آگاهند، استعداد مجرمانه بالایی دارند و به اصطلاح افرادی انفجاری هستند. ۴- اصولاً جرایم اقتصادی به دنبال کسب سود و پول هنگفت هستند و بنابراین به دنبال تکثیر ثروت به نفع خود و ضرر دیگران هستند.

### گفتار دوم: ویژگی های حقوق کیفری اقتصادی

#### الف) دیدگاه نظام اقتصادی لیبرال و ارشادی

برای تبیین ویژگیهای این حقوق، لازم است نظام اقتصادی لیبرال و ارشادی را مورد بررسی قرار دهیم. در این صورت تعریفمان از حقوق کیفری اقتصادی متفاوت خواهد بود. در برداشت لیبرال، مداخله دولت در امور اقتصادی بیشتر برای حمایت از برخی آزادیها مانند آزادی قرارداد، تجارت، صنعت و حمایت از سرمایه است. طبیعتاً در اینجا غایت مداخله دولت، حمایت از آزادی‌هایی است که برای اقتصاد بازار مهم است. بدین ترتیب در این نگاه حقوق کیفری اقتصادی حامی منافع خصوصی است، لذا وظیفه‌ی دولت با استفاده از مجازات‌ها عبارت است از: تضمین آزادی کار نظام اقتصادی. یعنی مجازات سوءاستفاده از آزادیها را مشخص می‌کند. در این چارچوب حقوق کیفری اقتصادی از سرمایه‌های فردی (سرمایه مدیران، تجار و صاحبان پول) در مقابل لطمات و تخلفات حمایت می‌کند. تعریفی که در برداشت لیبرال از حقوق کیفری اقتصادی شده است، عبارت است از مجموعه‌ی قواعد و مقررات حقوق کیفری است که رسالتشان تضمین آزادی سازو کارها و ساختارهای اقتصادی سرمایه‌داری است و از سوی دیگر تضمین و تامین حمایت از افراد در

روابط قراردادی بین خود و چگونگی اجرای آن قراردادها و روابط است. بنابراین در نگاه لیبرال قلمرو این رشته محدود است. از نظر کمی حقوق کیفری اقتصادی جرایم ناچیزی را پیش‌بینی کرده است، زیرا دغدغه اش حمایت از سرمایه است به گونه‌ای که رعب و وحشت و فرار سرمایه ایجاد نشود.<sup>۱</sup> بر عکس در نگاه ارشادی محدوده‌ی حقوق کیفری اقتصادی از نظر کمی بسیار گسترده و جرایم زیاد است. این حقوق در بستر ارشادی فقط از منافع خصوصی دفاع نمی‌کند بلکه چون دولت زندگی اقتصادی را تضمین و تنظیم می‌کند و مشمول قواعد<sup>۲</sup> قرار می‌دهد در جهت تنظیم روابط اقتصادی از دو طریق اقدام می‌کند: گاه اقدامات دولت جنبه منفی و سلبی دارد؛ یعنی برخی فعالیتها و اعمال را ممنوع می‌کند مثلاً فعالیت شرکت‌های هرمی را ممنوع می‌کند و برای آن مجازات در نظر می‌گیرد و لذا در بعد سلبی اقدامات دولت ممنوع کننده و کیفری است. اما ممکن است اقدامات دولت، ترغیب کننده و مثبت باشد؛ یعنی به فعالیتهای اقتصادی جهت دهد. در این صورت حقوق کیفری اقتصادی نقش داور و مشوق را ایفا می‌کند و در اختلافات در جهت حمایت از نظام اقتصادی وارد می‌شود یعنی نظام دولتی؛ رسیدگی به تخلفات و نقض قواعد بازی در فعالیتهای اقتصادی را به عهده می‌گیرد و به بخش خصوصی واگذار نمی‌کند. در این چارچوب حقوق کیفری اقتصادی مجموعه قواعد و مقررات حقوق کیفری و آیین دادرسی است که رسالتش تضمین اجرا و اعمال قوانین کیفری است که در چارچوب سیاست کلی اقتصادی دولت تصویب شده و از طرف دیگر هدفش تضمین اجرای مقررات مربوط به تولید و توزیع و مصرف اموال و ثروت است و بالاخره تضمین پول و سرمایه بعنوان وسیله مبادله این تولیدات و اموال. بعبارت دیگر حقوق کیفری اقتصادی در اقتصاد ارشادی موسع است و شامل حمایت از اموال و خدمات و پول یا وسیله

<sup>۱</sup>. در این نظام اقتصادی، دخالت حقوق کیفری در نظم اقتصادی بسیار محدود است.

<sup>۲</sup>. régulation

مبادلات می‌شود. در نظام ارشادی، حقوق کیفری تنظیم‌گر اقتصاد جامعه است و در عمده امور اقتصادی دخالت دارد

با این مقدمه می‌توان به این نتیجه دست یافت که در نظام لیبرال حقوق کیفری اقتصادی خیلی لاغر است، دولت فقط ناظر است و مداخله حداقلی دارد. در نظام سرمایه داری فرض بر این است که حقوق کیفری اقتصادی عملاً وجود ندارد یا خیلی کم‌رنگ است، اما در نظام ارشادی حقوق کیفری اقتصادی خصایص ممتازه دارد، چنانکه ضمانت اجراها، مجازات‌ها، جرایم، آ. د. ک، سازمان و تشکیلات رسیدگی کننده به این جرایم ویژگی‌های خاصی دارند که آنها را از آ. د. عمومی و جزای عمومی تفکیک می‌کنند.

در تعریف حقوق کیفری اقتصادی از دیدگاه ارشادی نظام اقتصادی یعنی شرایط تولید، توزیع، جریان و مصرف اموال و ثروت؛ در اولویت قرار دارد بدین ترتیب جرایم علیه تولید، حمل و نقل، توزیع و مصرف پول بعنوان وسیله مبادلات و خدمات در این چارچوب قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

### (ب) دیدگاه آموزه های کیفری

فارغ از تعاریفی که در قالب نظام لیبرال و ارشادی مطرح شده اند، آموزه علمای حقوق نیز سعی نموده در قالب دو مفهوم مضیق و موسع تعریفی بدست دهد: در مفهوم مضیق دو رویکرد وجود دارد: ۱- توصیفی: به موجب این رویکرد حقوق کیفری اقتصادی یعنی قوانین ناظر بر قیمت گذاری و رقابت. ۲- ترکیبی: به موجب رویکرد ترکیبی حقوق کیفری اقتصادی مجموعه مقررات کیفری است که هدفشان حمایت از منافع اقتصادی کشور یا جامعه است. در مقابل، مفهوم موسعی از حقوق

کیفری اقتصادی نیز وجود دارد که به دو شق تقسیم شده اند: ۱- توصیفی: یعنی احصا مقررات مربوط به قیمت‌ها، بانکها، بورس و شرکتهای بازرگانی و جرایم علیه آنها. ۲- ترکیبی: در این رویکرد هدف حقوق کیفری اقتصادی حمایت از منافع خصوصی افراد و اشخاص به مناسبت روابط اقتصادی آنهاست. این تعاریف بعضاً با حقوق کیفری امور تجاری یا معاملات تداخل پیدا می‌کند. لذا تعریف پیشرفته تری از حقوق کیفری اقتصادی مطرح شده است. در این تعریف یک اندیشه مشترک یا محوری وجود دارد: روابط قراردادی مربوط به اموالی که دارای ارزش مادی و اقتصادی هستند. با توجه به این اندیشه محوری، حقوق کیفری اقتصادی، حقوق کیفری بازار یا حقوق کیفری مبادلات بازرگانی است. بدین ترتیب در این تعریف، جرایم اقتصادی یا مربوط به محتوای مبادلات اقتصادی می‌شوند یا مربوط به رضایت طرفین به این مبادلات و روابط. اما در یک تعریف دیگر: معیار غایت و جهت گیری جرایم اقتصادی است: هر جرمی از یک ارزش حمایت می‌کند. بنابراین باید دید هدف قانون گذار از جرم انگاری جرایم اقتصادی چیست؟ مثلاً در جرایم مالی هدف قانون گذار حمایت از پول و مال قربانیان است. در جرایم اقتصادی غایت قانون گذار حمایت از کل ساختار تولید، جریان، توزیع و مصرف ثروت هاست. بدین ترتیب می‌توان تعریف دیگری از حقوق کیفری اقتصادی ارائه کرد: حقوق کیفری اقتصادی شامل حمایت از روابط اقتصادی و مبادلات بازرگانی و نیز نظام های رقابت، توزیع و حمایت از مصرف کنندگان می‌شود. این تعریف جامع و مانع نیست اما عده‌ای گفته اند با این تعریف می‌توان مرز میان این رشته با حقوق کیفری معاملات را ترسیم کرد و حقوق کیفری اقتصادی را در سطح کلان و حقوق کیفری امور بازرگانی و معاملات را در سطح خرد یعنی محدود به امور بازرگانی و شرکت های تجاری قرار داد.

<sup>۱</sup>. با این حال نباید این نکته را فراموش کرد که در نظام اقتصادی لیبرالی، حقوق کیفری اقتصادی وجود دارد، اما مانند نظام اقتصادی ارشادی تاثیر گذار نیست، زیرا برای اغلب جرایم در نظام اقتصادی لیبرالی کیفر زدایی صورت گرفته است.

## گفتار سوم: جایگاه حقوق کیفری اقتصادی در نظام حقوقی داخلی

با این مقدمات قصد داریم به جایگاه حقوق کیفری اقتصادی در نظام حقوقی داخلی اشاره کنیم.

نخست- آیین نامه دادگاهها و دادرهای انقلاب مصوب ۱۳۵۸/۳/۲۷

در این آیین نامه صلاحیت ذاتی دادگاه انقلاب تعریف شده است. در ماده‌ی ۲ این آیین نامه که در حکم قانون بوده است یک سلسله اعمالی به طور کلی جرم‌انگاری شده اند و صلاحیت رسیدگیشان به عهده دادگاه انقلاب گذاشته شده است: بموجب این ماده «رسیدگی به جرایم زیر در صلاحیت دادگاه انقلاب است: ۱- قتل و کشتار به منظور ... ۲- حبس و شکنجه‌ی مردم و ... ۳- جنایات بزرگ اقتصادی یعنی غارت بیت المال یا اتلاف ثروت کشور به نفع بیگانگان. ۴- ... ۵- ...» - جنایات بزرگ اقتصادی در بند ۳ در معنای عمومی جرم که جمع آن جرایم است بکار رفته است، اما چون این آیین نامه در فضای انقلابی تنظیم شده، از اصطلاح جنایات استفاده شده است. این بند دراصل ۴۹ قانون اساسی نیز مطرح شده و به اموالی اشاره دارد که از طریق قمار، ربا، اعمال نفوذ، رانت خواری و سوء استفاده از اموال عمومی و ... تحصیل شده است. در بند سوم آیین نامه سال ۵۸ مراد از غارت بیت المال، اتلاف ثروت کشور به نفع بیگانگان در قراردادهایی بوده که مقامات وقت با شرکتهای خارجی می‌بستند و ممکن بوده پورسانت یا رشوه دریافت کنند و بدینوسیله منافع خریدار تامین ولی کشور مغبون گردد. به نظر می‌رسد منظور نویسندگان از بند ۳ کل نظام اقتصادی کشور بوده است، یعنی جرایمی که تولید، توزیع و مصرف را تحت الشعاع قرار می‌دهند. در ماده‌ی ۲۸ آیین نامه سال ۵۸ آمده «در صورتی که بازپرس احراز کند متهم اموالی را که از راههای غیر مشروع تحصیل نموده به همسر یا به فرزندان یا شخص دیگری واگذار کرده یا به طور صوری یا با تبانی به اشخاص حقیقی یا حقوقی انتقال داده است دستور توقیف خواهد داد». این

ماده به نوعی به پولشویی و تطهیر درآمدهای نامشروع اشاره دارد. بعد از این آیین نامه می‌توان به قانون نحوه‌ی اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳ اشاره کرد. در این قانون که ۵ سال بعد از قانون اساسی تهیه شد مصادیق غارت بیت المال و اتلاف ثروتهای عمومی تعریف شده است. بموجب ماده ۱۴ این قانون «هرگونه نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ ق.ا. به منظور فرار از مقررات این قانون پس از اثبات، باطل و بلا اثر است، انتقال گیرنده در صورت مطلع بودن از ریشه نامشروع این اموال و انتقال دهنده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند شد». چون در سال ۶۳ جرم پولشویی در حقوق ایران مطرح نبوده این عمل در حکم کلاهبرداری تلقی شده است. به این ترتیب در قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ واژه جرم اقتصادی به کار نرفته ولی دغدغه حمایت از نظام اقتصادی وجود داشته لذا یک سلسله جرایم اقتصادی را پیش بینی کرده است.

دوم- دستورالعمل اجرایی قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ مصوب ۶۴/۶/۳ شورای

عالی قضایی :

قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ در سال ۶۸ اصلاح شد و نسبت به اشخاص در زمان حاضر نیز تسری داده شد. در قانون شمول اجرای اصل ۴۹ در مورد ثروت های ناشی از احتکار، گران فروشی و قاچاق مصوب ۶۸/۱۱/۲۹ آمده است: «دادگاههای مربوط به اجرای اصل ۴۹ موظفند مطابق قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ ثروتهای محتکرین، گرانفروشان، قاچاقچیان را مورد بررسی قرار داده و نسبت به ثبت و ضبط و اخذ ثروتهایی که برخلاف قانون کسب شده اند به عنوان مجازات به نفع جمهوری اسلامی اقدام نمایند». اگر چه در این قانون اصطلاح جرم اقتصادی به کار برده نشده اما بسیاری از اعمال پیش بینی شده در این قانون مانند: اختلال در نظام پولی یا ارزی کشور، اختلال در امر توزیع مایحتاج از طریق گرانفروشی کلان ارزاق و احتکار عمده ارزاق و پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزی و ... به منظور ایجاد کمبود در عرضه

## جرم‌شناسی ۲۵۳۵

آنها اخلال در نظام تولیدی کشور از طریق استفاده عمدۀ از فروش غیر مجاز تجهیزات فنی<sup>۱</sup> و مواد اولیه در بازار آزاد، رشوا ارتشا در امر تولید اقدام باندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی کشور و نظایر آن جرم اقتصادی‌اند.

بستر تصویب این قانون سالهای پس از جنگ بوده و آثار جنگ و دورهی سازندگی یعنی رفع خسارات ناشی از آن در صحنه اقتصادی کشور مشخص است. لذا مداخله دولت در این مقطع زیاد و قلمرو حقوق کیفری اقتصادی گسترده است. صادرات و واردات را وزارت بازرگانی انجام می‌دهد و صلاحیت رسیدگی به این جرایم با دادگاه انقلاب است. در تبصره‌ی ۶ ماده‌ی ۲ این قانون آمده است «رسیدگی به کلیه جرایم مذکور در این قانون در صلاحیت دادسرا و دادگاههای انقلاب است». در صدر ماده ۲ آمده است «هر یک از بندهای مذکور در ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام مزبور انجام شود و از مصادیق افساد فی الارض قرار بگیرد مرتکب به اعدام محکوم و اموال وی ضبط می‌شود». در حقوق کیفری اقتصادی ایران علاوه بر جرایم عمومی اقتصادی مانند احتکار، گرانفروشی و ... افساد فی الارض نیز وجود دارد، یعنی در مواردی که این جرایم موجب اخلال در نظام اقتصادی شود بموجب صدر ماده ۲ قانون ۶۹ در حکم یک جرم سیاسی تلقی شده و مجازات اعدام برایش مقرر شده است.<sup>۲</sup> در فقه جزایی افساد فی الارض یک عنوان عام است که به عنوان کیفیت

## ۲۵۳۶ مباحثی در علوم جنایی

مشده برای جرایم اقتصادی به کار برده می‌شود. این کیفیت مشده عنوان جرم را عوض کرده و مجازات حبس را به اعدام مبدل می‌کند.<sup>۱</sup>

نتیجه آنکه جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران جرایم تعزیری‌اند. لیکن بموجب ماده ۲ قانون سال ۶۹ جرایم تعزیری اقتصادی ممکن است تحت شرایطی به جرایم حدی تبدیل شوند، یعنی رژیم حقوقی کلاً عوض شود،<sup>۲</sup> به طور کلی در حقوق ایران جرایم اقتصادی در معنای واقعی با شدت عمل روبرو هستند و چون هیچ یک از این جرایم احصاء نشده‌اند، دست قاضی از جهت جزای ماهوی (جزای اختصاصی و مجازاتها) و جزای شکلی (دادگاه انقلاب) باز است.

به عبارت دیگر حقوق کیفری ایران بسیار سختگیر و شدید است که این سخت گیری به مجازات خلاصه نمی‌شود و به عدم تعریف مشخص و یک مرجع اختصاصی نیز تسری می‌یابد. ما از جرم اقتصادی تعریفی نداریم، ولی پراکنده و اژگان نظام تولیدی، اخلال در نظام پولی، اخلال در نظام توزیع، اخلال در نظام صادرات و ... ما را به این سوءهدایت می‌کند که حقوق کیفری اقتصادی در ایران نیز قابل بحث است. این برداشت با تحلیل تفصیلی خصوصیات حقوق کیفری اقتصادی مشخص تر خواهد شد. وقتی خصوصیات حقوق کیفری اقتصادی مطرح شوند خواهیم دید که در ایران نیز می‌توان از این حقوق نام برد.

---

<sup>۱</sup>. در بعضی مواد در حقوق ایران این وصف به عنوان کیفیت مشده‌ی جرایم اخلاقی نیز آمده است مثلاً در تبصره‌ی ماده ۳۰۱ قانون تعزیرات سال ۶۲ آمده است «دایر کردن مراکز فساد در صورتی که منجر به فساد عامه شود افساد فی الارض خواهد بود» یعنی یک جرم تعزیری به جرم حدی تبدیل شده است.

<sup>۲</sup>. چنانکه می‌دانیم در جرایم حدی قاضی حقی ندارد، اما به موجب ماده ۲۲ ق. م. ا. در جرایم تعزیری می‌تواند اعمال تخفیف نماید.

---

<sup>۱</sup>. در سال ۹۶ و سالهای بعد از جنگ هنوز نظام اقتصادی ایران جنبه‌ی ارشادی داشت. سیستم مایحتاج عمومی به شکل جیره‌بندی و کوپنی اداره می‌شد و جای تعجب نیست که در این بند صحبت از فروش غیرمجاز تجهیزات فنی است.

<sup>۲</sup>. افساد فی الارض در ماده‌ی ۱۸۳ ق. م. ا. بیشتر بعنوان یک جرم سیاسی مطرح شده است.



## الف) از دیدگاه ماهوی

قانونگذار در جرائم اقتصادی بیشتر از سایر جرایم به ترک فعل توجه نموده است. زیرا در فعالیتهای اقتصادی فرض بر این است که صاحبان مشاغل، بر حرفه و شغل خود احاطه دارند و به امور آن آشنا هستند و از تالی فاسد عدم رعایت امور اطلاعات دارند.<sup>۱</sup> برخلاف جرایم عمومی که توده جرائم، اخلاقی اند، در جرایم اقتصادی قانونگذار به مسایل اعتباری وجه کیفری داده است. این جرایم در زمره جرایم مانع قرار دارند، زیرا فی نفسه برای جامعه خطرناک نیستند و قبح اجتماعی و اخلاقی ندارند. النهایه استمرار آن عمل موجب به خطر انداختن دیگران خواهد شد، لذا به صورت قراردادی و برای رفع حالت خطرناک جرم‌انگاری می‌شوند.<sup>۲</sup> عدم درج قیمت جرم انگاری شده است چون ثبت قیمت سبب می‌شود که خریدار متوجه گران فروشی شود. پس از خصایص حقوق کیفری پسامردن ۱- فنی شدن جرائم ۲- جرم انگاری بیش از پیش ترک فعل ۳- پیش‌بینی جرائم مانع به منظور رعایت سلامت و بهداشت جامعه.

## ب) از دیدگاه شکلی

جرائم اقتصادی بلحاظ فنی و تخصصی بودن، ضابطین خاصی را می‌طلبند. جرائم زیست- محیطی، گمرکی، مربوط به بورس یا مربوط به مالیاتها نوعاً ضابطینی نظیر: محیط بان، مأمورین گمرک، بازرسان سازمان بورس، ممیزین و مأمورین مالیاتی را می‌طلبند. البته در بسیاری کشورها ضابطین عام که همان پلیس قضایی تلقی می‌شوند، پلیس فنی هستند.<sup>۱</sup> این مساله از نظر آیین دادرسی هم صادق بوده و دادرس خاص اقتصادی را نیز می‌طلبند.

برای رسیدگی به این جرائم نوعاً سه مرجع وجود دارد که ممکن است در آن واحد صالح باشند:<sup>۲</sup>

۱. مراجع دولتی قضایی یا کیفری ۲. مراجع دولتی اداری مرتبط به قوه مجریه ۳.
- مراجع غیر دولتی یا صنفی یا جامعوی<sup>۳</sup> که بموجب قانون نظام صنفی و بعنوان یک

<sup>۱</sup> در آیین دادرسی کیفری سابق این عنوان به نام کمیسر جنایی آمده بود.

<sup>۲</sup> به عنوان نمونه در جرم گران فروشی خدمات پزشکی یک پزشک ممکن است از سه جهت تعقیب شود:

۱- از جهت قضایی: در دادگاه عمومی، تعزیرات حکومتی یا انقلاب

۲- از جهت اداری: مثلاً برخی کارمند اداره بهداشت هستند.

۳- معرفی به سازمان نظام پزشکی و مثلاً تعطیلی مطب به مدت ۲ ماه.

لذا جرائم اقتصادی ممکن است سه وجه داشته باشند. ۱- قضایی ۲- اداری ۳- انضباطی و انتظامی (حرفه‌ای) لذا بابت یک تخلف مرتکب می‌تواند سه نوع مجازات قابل جمع و سه نوع مسئولیت داشته باشد.

<sup>۳</sup> این امر مصداق قضازدایی و کیفرزدایی است. یعنی تعدیل یا تبدیل مجازات کیفری به ضمانت اجرای، اداری و انتظامی عملکرد شورای اداری عالی بورس نیز در همین راستا می‌باشد.

<sup>۱</sup> مثلاً در جرایمی نظیر آلودگی‌های زیست‌محیطی مدیر کارخانه می‌داند که پس‌آبهای کارخانه برای

محیط زیست سالها آثار سوء دارد، لذا نباید آن پس‌آبها را در طبیعت رها کند.

<sup>۲</sup> مانند ولگردی یا تکدی‌گری که فی نفسه خطری برای کسی ندارند، اما استمرار آنها متکدی و

سایرین را در معرض خطر مزاحمت خیابانی، قوادی و ... قرار می‌دهد. یا رانندگی با سرعت

غیرمجاز یک تخلف رانندگی است و جریمه دارد اما در فرانسه یک جرم کیفری تلقی شده است.

چون این رانندگی مساوی است با به خطر انداختن حیات دیگری. نمونه‌ای دیگر: رانندگی در

حال مستی جرم خلافی و راهنمایی است، اما قانون‌گذار فرانسه این عمل را بدون اینکه منجر به

تصادف و بروز جرم خلافی شود جرم‌انگاری کرده است؛ گویی جامعه می‌خواهد کمترین ریسک

را بپذیرد.

مجتمع امور صنفی به تخلفات صنفی اعضا رسیدگی می‌کند.<sup>۱</sup> ولی باید به این نکته توجه داشت که در جرایم اقتصادی بندرت عفو خصوصی یا عمومی صادر می‌شود و معمولاً سیستم های ارفاقی در نظر گرفته نمی‌شود. کنوانسیون های مبارزه با فساد (میریدا) ۲۰۰۳ و مبارزه با جرایم سازمان یافته<sup>۲</sup> (پالرمو) ۲۰۰۰ هر دو خصیصه بارزشان سرکوبگری و مجازات است. این دو کنوانسیون به دول عضو اجازه داده اند که شدیدتر از مجازاتهای این ۲ کنوانسیون در نظام حقوقی خود وارد کنند و تعریف موسع از جرائم ارائه داده و اختیارات بیشتری به مراجع غیرقضایی اعطا نمایند. بعلاوه بار اثبات دلیل نیز در این جرایم جابجا شده و اثبات بی گناهی بر عهده‌ی مجرم اقتصادی نهاده شده است.<sup>۳</sup> عبارت دیگر اسناد سازمان ملل سرکوبگری و سخت‌گیری را در جرائم اقتصادی توصیه می‌کنند.<sup>۴</sup>

نخست: تشکیلات دادگستری

اهمیت جرائم اقتصادی و حساسیت افکار عمومی و خسارات حاصل از این جرایم به حدی است که دولتها سعی دارند نهادهای قضایی و دادگاههای کیفری خاص و قضات دوره دیده را برای رسیدگی به این جرایم اختصاص دهند. اشراف مرتکبین به تخلف و رشته‌ی خود به حدی است که نیاز به قاضی حرفه‌ای وجود دارد. قاضی که به جرم قتل رسیدگی می‌کند نمی‌تواند پیچیدگی مربوط به دفاتر

<sup>۱</sup> سازمان نظام پزشکی یکی از این مراجع صنفی تلقی می‌شود. ضمانت‌اجرای این مرجع شغلی صنفی و غیر کیفری است. مواردی نظیر انفصال از خدمت و جریمه. این مرجع، احکام حبس و شلاق صادر نمی‌کند.

<sup>۲</sup> جمهوری اسلامی هنوز به کنوانسیون پالرمو ملحق نشده اما در سال ۱۳۸۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان را با الهام از پروتکل دوم الحاق به کنوانسیون پالرمو تنظیم و تصویب کرده است.

<sup>۳</sup> در این خصوص ر.ک: جعفری، امین، پشیمانی از ارتکاب جرم اقتصادی و بازرگانی، مجله حقوقی دادگستری، ویژه نامه جرایم اقتصادی، در نوبت چاپ.

<sup>۴</sup> برای مطالعه متن کنوانسیون ر. ک: مجله‌ی حقوقی دفتر خدمات، شماره های ۳۴-۳۲

حسابداری و مقررات مربوط به ثبت شرکتها را درک کند. لذا در بسیاری از کشورها با مراجع خاص مواجهیم. در ماده ۷۰۴ ق. آ. د. ک فرانسه صلاحیت رسیدگی به یک تعداد جرائم اقتصادی و مدنی نظیر کلاهبرداری، خیانت در امانت، رشاء و ارشا، اعمال نفوذ، جرائم مالیاتی، جرائم مربوط به ساخت و ساز و مسکن، جرائم گمرکی، جرائم مربوط به مصرف، جرائم بورس و جرائم مالیاتی به عهده یک شعبه خاص از دادگاه شهرستان قرار داده شده و برای جرائم مربوط به بورس نظیر خرید و فروش اطلاعات و دستکاری در جریان عادی بورس یک شعبه از دادگاه جنحه در پاریس معین شده است. در خصوص جایگاه جرائم اقتصادی در ایران می‌توان گفت که حدود ۴ سال است که مبارزه با مفاسد اقتصادی بطور جدی دنبال می‌شود. از جهت اداری ستاد سران سه قوه ویژه مبارزه با فساد اقتصادی زیر نظر رهبری با هدف هماهنگ کردن فعالیت‌های سه قوه در مبارزه با مفاسد اقتصادی تشکیل شده است.<sup>۱</sup> ادبیات مسئولین جمهوری اسلامی در مورد مفاسد اقتصادی عمدتاً ناظر بر جرائم اقتصادی دولتی است و مراد جرایمی است که دولت‌ها و مسئولان و کارمندان علیه منافع بودجه عمومی و بیت المال انجام می‌دهند، حال آن که جرائم اقتصادی بیشتر در بخش خصوصی موضوعیت دارد. بنابراین اینجا نقض غرض شده است. علت این امر آن است که در کشور ما بخش خصوصی و صاحبان سرمایه بسیار محدود عمل می‌کنند و یا اینکه بخش خصوصی، شبه خصوصی است و در عمل دولتی است. بعد از انقلاب نیز اقتصاد ما ابتدا به جهت تفکرات انقلابی و در مرحله بعد به جهت جنگ سالها دولتی بود وزارت بازرگانی مسئول تأمین ارزاق عمومی بود، بخش خصوصی به صورت قطره‌ای و با اخذ مجوز حق فعالیت داشت و آثار این اقتصاد دولتی بعد از جنگ خودش را نشان داد لذا مسئولین ما گمان کردند که جرائم اقتصادی بیشتر در بخش

<sup>۱</sup> در ادبیات کشور ما صحبت از مفاسد اقتصادی است نه جرائم اقتصادی.

## جرم‌شناسی ۲۵۴۱

دولتی اتفاق می‌افتد. حال آنکه به موزات آزادسازی اقتصاد و گسترش فعالیت بخش خصوصی جرائم اقتصادی در این بخش نیز قابل تصور است.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب در کشور ما مبارزه با مفاسد اقتصادی بیشتر رنگ و بوی دولتی دارد اما در قوانین و مقررات داخلی تشکیلات قضایی خاصی که تحت عنوان دادگاه اقتصادی یا پلیس اقتصادی فعالیت کند وجود ندارد به همین جهت رئیس قوه قضاییه در تاریخ اول مرداد ۸۵ با توجه به فشار افکار عمومی و گسترش آثار نامطلوب جرائم اقتصادی دستور تشکیل مجتمع امور اقتصادی را صادر کرد.<sup>۲</sup> این مجتمع از دادگاه‌ها و دادسرای مبارزه با مفاسد اقتصادی تشکیل شده و جرائم خاصی را مورد رسیدگی قرار می‌دهد. به موجب تبصره ماده ۱ دستورالعمل پرونده‌های قابل رسیدگی در این مجتمع عبارتند از جرائم اقتصادی کلان در رابطه با اموال عمومی یا دولتی که با نصاب ۱۰ میلیارد ریال و بیشتر از آن توسط کارکنان دولت یا با کمک آنان انجام گرفته باشد. به این ترتیب می‌توان گفت مجتمع قضایی امور اقتصادی ویژه جرائم اقتصادی و مالی کارکنان دولت است و اشخاص غیردولتی از شمول آن خارجند. در این دستورالعمل جرم اقتصادی تعریف نشده و صرفاً جرائم اقتصادی کلان با معیار

---

<sup>۱</sup> (Good governance) حکمرانی خوب ابتدا در بانک جهانی مطرح شد. بانک برای اعطای وام به دولتها معیارهایی تعریف کرد. نام این معیارها را حکمرانی خوب گذاشتند. یکی از این معیارها از بعد کیفری حاکمیت قانون (Rule of law) یا دولت قانونمدار است. یعنی دولتی که تابع قانون باشد نه فرا قانونی. در چنین دولتی طبیعتاً حقوق و آزادیهای فردی از جمله حق افراد در فعالیتهای اقتصادی باید در ازای مالیات و عوارضی که دولت می‌گیرد تضمین شود. یکی دیگر از این معیارها از بعد آیین دادرسی، دادرسی عادلانه (fair trial) یعنی رعایت حقوق متهم و ایجاد سازمان و تشکیلات مستقل که زیر نظر قوه‌ی مجریه یا مقننه نباشد. پس تشکیل سازمان تعزیرات حکومتی که زیر نظر قوه مجریه فعالیت می‌کند، امری فرا قانونی و بر خلاف معیارهای حکمرانی خوب است. در کشورهای قانون مدار این قواعد در مراجع اداری هم اعمال می‌شود.

<sup>۲</sup> اینکه آیا رئیس قوه می‌تواند با یک دستورالعمل تشکیلات قضایی ایجاد کند مسئله‌ای مورد اختلاف است.

## ۲۵۴۲ مباحثی در علوم جنایی

۱۰ میلیارد ریال مشخص شده است. در کنار این مجتمع، مراجع دیگری نیز مانند سازمان تعزیرات حکومتی، ادارات مسئول وصول درآمدهای دولت و دادگاه انقلاب<sup>۱</sup> برای رسیدگی به این جرایم صلاحیت دارند.

نکته دوم اینکه بموجب ماده ۱۱ دستورالعمل، تعقیب و رسیدگی به جرائم کلان اقتصادی در خارج از حوزه تهران با موافقت رئیس قوه قضاییه و قابل احاله و رسیدگی در این مجتمع می‌باشد.<sup>۲</sup> بموجب ماده یک دستورالعمل کلیه نهادهای کاشف جرایم اقتصادی اعم از دیوان محاسبات و وزارت اطلاعات پرونده‌های جرائم اقتصادی کلان را جهت رسیدگی به این مجتمع ارسال می‌نمایند. در سال ۸۵ نیز قانون گذار براساس قاعده‌ی فقهی تشهیر تبصره‌ای به ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری الحاق کرد. این یکی از ویژگی‌های خاص جرائم اقتصادی در ایران است.<sup>۳</sup> در واقع هدف از این قانون پیشگیری<sup>۴</sup> از یک جرم خاص و جلب توجه دیگران بوده است.<sup>۵</sup> ضمن اینکه به نظر می‌رسد قانون گذار به طور ضمنی با فهرست کردن جرایمی نظیر اختلاس، مداخله یا تبانی، اخذ پورسانت و ... تا اندازه‌ای در مقام احصاء مفاسد اقتصادی هم بوده ولی مثلاً تطهیر یا پولشویی در این ماده مطرح نشده

---

<sup>۱</sup> پس از اعلام جرم توسط مامور وصول درآمد دولت، که یک کارشناس غیرقضایی است، سازمان تعزیرات و دادگاه انقلاب صلاحیت رسیدگی پیدا می‌کنند.

<sup>۲</sup> بنظر می‌رسد رئیس قوه قضاییه بدنبال ایجاد تمرکز در تهران است.

<sup>۳</sup> عده‌ای این امر را موجب انگ‌زنی مجرمانه Labeling دانسته و به نوعی خلاف اصل شخص بودن مجازاتها یا اصل برائت می‌دانند.

<sup>۴</sup> باید توجه داشت که امروزه در کنار مبارزه‌ی کیفری، اداری، انتظامی، انضباطی با جرائم اقتصادی از شیوه‌های خودانتظامی (یا شیوه کنترل داخلی) درون سازمانی برای پیشگیری استفاده می‌شود. لذا در کنار هسته اصلی مبارزه با جرم امروزه بیش از گذشته به اقدامات کنشی یعنی اقداماتی که منتظر وقوع جرم نمی‌مانند تکیه می‌شود. در اینجا افشاگری درون سازمانی اهمیت می‌یابد.

<sup>۵</sup> باید دید اعلام اسامی تا چه اندازه در بازدارندگی و پیشگیری از این جرائم مؤثر خواهد بود.

است.<sup>۱</sup> بعلاوه در مقام تبیین اهمیت یا وخامت این جرائم مبلغ خسارات ناشی از این جرائم را ۱۰۰ میلیون ریال و بالاتر تعیین کرده است که با مفاد دستورالعمل در تعارض است.<sup>۲</sup>

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود اینکه آیا اعلام اسامی محکومین با هزینه‌ی خودشان یک نوع مجازات مضاعف نیست؟ و آیا با تشریفات دادرسی عادلانه موافق است؟ البته بموجب مواد ۱۷-۱۲ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۳۹ انتشار حکم یا نصب حکم در محل کسب و کار مجرم به عنوان یک نوع اقدام تأمینی مستقل مطرح شده است حال آن که قانون گذار در ماده ۱۸۸ اصلاحی علاوه بر مجازاتهای پیش‌بینی شده مرتکبین را به درج یا چاپ احکام محکومیت آنها در یک روزنامه‌ی کثیرالانتشار و محلی محکوم می‌کند. این امر خلاف اصل دو بار مجازات نمودن افراد (Non bis in idem) بنظر می‌رسد.

دوم: تخصص و تجربه قضاات و ضابطین قضایی

قضاات و ضابطین قضایی از تخصص و تجربه کافی برای تصدی سمت تحقیق، تعقیب و رسیدگی در جرایم اقتصادی برخوردار نیستند مگر به طور موردی تجربه کسب کرده باشند. اما در فرانسه دوره های خاصی در نظر گرفته شده است. بنظر می‌رسد هدف از تشکیل این مجتمع متمرکز کردن رسیدگی به این جرائم بوده است. جرائم اقتصادی جرایمی فنی هستند<sup>۳</sup> و نقش کارشناس و خبره برای تعقیب و محاکمه آنها بسیار مهم است و عبارتی نیازمند مشاغل پیراقضایی هستند.

<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد تطهیر درآمدهای نامشروع حتی تطهیر پولهایی ناشی از اختلاس می‌تواند به نوعی مشمول این قاعده شود.

<sup>۲</sup> معیار دستورالعمل قوه قضائیه ۱۰ میلیارد ریال به بالا است.

<sup>۳</sup> به موجب ماده ۲۰ کنوانسیون مبارزه با فساد ۲۰۰۳ فرض بر مجرمیت مرتکبین اقتصادی است مگر اینکه خلافش ثابت شود. نکته‌ی مهم این است که چرا سازمان ملل بعنوان نهادی که بیشتر در جهت ممانعت از سرکوب‌گری فعالیت می‌کند دست دولتها را چنان باز می‌گذارد که مسائل

گفتار پنجم: ویژگیهای جرایم اقتصادی از منظر اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی با تمرکز بر کنوانسیون مریدا

### الف) اسناد منطقه‌ای

اصولاً قرائت سازمان ملل از جرم و بویژه جرائم اقتصادی و سازمان‌یافته و نیز جرائم تروریستی قرائتی صرف حقوقی نیست. بدین معنا که بزهکاری را یکی از تهدیدات بالقوه و بالفعل برای صلح جهانی پایدار و امنیت بشری دانسته و از آنجا که خود را متولی صلح و امنیت بین‌المللی و شکوفا سازی اقتصاد جهانی و دولت‌ها را موظف به مبارزه با این دسته از جرایم میدانند، اسناد و مدارک متنوعی را در ۲۰ سال اخیر در قالب رهنمود، قطع‌نامه، اصول راهبردی و کنوانسیونهای کیفری نرماتیو<sup>۱</sup> به تصویب رسانده است. تجربیات بشر در جریان جنگ دوم جهانی موجب شده است تا فعالیتهای سازمان ملل در قالب اسنادی به نام و موضوع بشر خلاصه شود. به عبارت دیگر سیاست مبارزه با بزهکاری به منظور تضمین صلح و امنیت جهانی می‌بایست در چارچوب تضمین‌های حقوق بشری سازماندهی می‌شد که عمدتاً در چارچوب منشور حقوق بشر از جمله اعلامیه حقوق بشر و میثاقین حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ آمده است. خطر دیگری که امروزه صلح پایدار و امنیت جهانی و نیز دموکراسی و حاکمیت قانون<sup>۲</sup> را خدشه دار می‌کند فساد<sup>۱</sup> است. جرایم اقتصادی و سازمان یافته‌ای

خطرناکی چون جابه‌جایی بار اثبات دلیل یا دام گسترگی را در نظام حقوقی خود پیش بینی کنند؟ پاسخ این است که اثبات جرائم اقتصادی نظیر جرم تطهیر سرمایه و پول‌های مجرمانه به لحاظ فنی بودن برای دستگاه قضایی و ضابطین بسیار مشکل است. لذا با حفظ سایر حقوقی که در یک دولت قانون مدار یعنی دولتی که به متهمین اجازه می‌دهد تا در موارد تضييع حقوق خود شکایت نمایند برای مجرمین پیش بینی شده است، متهم موظف است مشروعیت دارای اش را اثبات کند این جابجایی بار اثبات به جهت پیچیدگی و فنی بودن این جرائم است.

<sup>۱</sup> کنوانسیونهایی که جرم‌انگاری کرده یا پاسخهای مختلف برای مبارزه با جرم پیش‌بینی می‌کنند.

<sup>۲</sup> Rule of law

## جرم‌شناسی ۲۵۴۵

که در بخش خصوصی اتفاق می‌افتد، اقتصاد یک کشور را نشانه می‌گیرد و انبوهی از سرمایه‌ها را خارج از کانال‌های رسمی اقتصادی به جریان می‌اندازد. بنابراین یک اقتصاد سایه و زیرزمینی ایجاد می‌کند که اشتغالزا نبوده و کاملاً مخرب است. حتی ممکن است منجر به یک حاکمیت فاسد و در نهایت پایمال شدن حقوق مردم و مانع شکوفایی اقتصادی شود. به عنوان مثال گروه‌های مافیایی در ایتالیا، به لحاظ نفوذ مالی که در برخی شهرهای این کشور دارند موفق شده‌اند در ارکان حکومتی و مجلس نفوذ کنند. بنابراین از طریق کمک به انتخاب نمایندگان قوانینی به نفع خود تصویب می‌کنند. با در نظر گرفتن عوامل فوق سازمان ملل علاوه بر قطع نامه و توصیه‌نامه‌هایی که جنبه لازم‌الاجرا ندارند و نیز کنگره‌های ۵ سالانه خود با عنوان پیش‌گیری از جرم و عدالت کیفری،<sup>۲</sup> کنوانسیون مهم را تصویب کرده است که جزء منابع فراملی حقوق کیفری اقتصادی دول عضو تلقی می‌شود: کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته (پالرمو) ۲۰۰۰ و کنوانسیون مبارزه با فساد مالی (مریدا) ۲۰۰۳ که بعضی از جرایم پیش‌بینی شده در کنوانسیون پالرمو را مجدداً مورد تأکید قرار داده است. البته در سطح منطقه‌ای نیز کنوانسیون‌هایی وجود دارد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. کنوانسیون سازمان همکاری و توسعه اقتصادی،<sup>۳</sup> کنوانسیون سازمان کشورهای آمریکایی در ممنوعیت فساد مالی،<sup>۴</sup> کنوانسیون مبارزه با فساد کارمندان جوامع اروپایی یا کارمندان دولتهای عضو اتحادیه اروپا که در ۱۹۹۷ تصویب شده است<sup>۵</sup> کنوانسیون حقوق کیفری شورای اروپا برای مبارزه با فساد مالی و کنوانسیون حقوق مدنی شورای اروپا برای مبارزه با فساد مالی که در ۱۹۹۹ تصویب شده<sup>۵</sup> و

<sup>۱</sup>. corruption

<sup>۲</sup>. OECD

<sup>۳</sup>. Organization of American states (OAS), 1996

<sup>۴</sup>. Convention on the fight against corruption involving officials of the European Communities or officials of Member States of the European Union

کنوانسیون مبارزه با فساد کارمندان جوامع اروپایی یا کارمندان دولتهای عضو اتحادیه اروپا

<sup>۵</sup>. Council of Europe Criminal Law Convention on Corruption

## ۲۵۴۶ مباحثی در علوم جنایی

سرانجام کنوانسیون اتحادیه آفریقا برای پیشگیری و مبارزه با فساد مالی،<sup>۱</sup> مصوب ۲۰۰۳ یعنی مصادف با تصویب مریدا.<sup>۲</sup> بعلاوه کنوانسیون سازمان امنیت و همکاری

کنوانسیون حقوق کیفری شورای اروپا در مورد فساد

Council of Europe Civil Law Convention on Corruption

کنوانسیون حقوق مدنی شورای اروپا در مورد فساد

<sup>۱</sup>. African Union Convention on Preventing and Combating Corruption

کنوانسیون اتحادیه آفریقایی در خصوص پیشگیری و مبارزه با فساد

<sup>۲</sup>. برای اطلاع بیشتر ر.ک:

Compendium of International Legal Instruments on Corruption, United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC), Vienna, November 2003

Council of Europe Criminal Law Convention on Corruption

کنوانسیون حقوق کیفری شورای اروپا در مورد فساد

Council of Europe Civil Law Convention on Corruption

کنوانسیون حقوق مدنی شورای اروپا در مورد فساد

The Council of the European Union (EU) Convention on the Protection of the European Communities' Financial Interests

کنوانسیون شورای اتحادیه اروپا در خصوص حمایت از منافع مالی جوامع اروپایی

The Council of the European Union's (EU) First Protocol to the Convention on the protection of the European Communities' financial interests'

پروتکل اول شورای اتحادیه اروپا الحاقی به کنوانسیون حمایت از منافع مالی جوامع اروپایی

The Council of the European Union's (EU) Second Protocol to the Convention on the Protection of the European Communities' Financial Interests

پروتکل دوم شورای اتحادیه اروپا الحاقی به کنوانسیون حمایت از منافع مالی جوامع اروپایی

Convention on the fight against corruption involving officials of the European Communities or officials of Member States of the European Union

کنوانسیون مبارزه با فساد کارمندان جوامع اروپایی یا کارمندان دولتهای عضو اتحادیه اروپا

The Council of the European Union's (EU) Joint Action on corruption in the Private Sector

اقدام مشترک شورای اتحادیه اروپا در مورد فساد در بخش خصوصی

Inter-American Convention against Corruption

کنوانسیون آمریکایی علیه فساد

OECD-Convention on Combating Bribery of Foreign Public Officials in International Business Transactions

کنوانسیون سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در مورد مبارزه با ارتشای مقامات دولتی خارجی

در معاملات تجاری بین‌المللی

The Revised Recommendation of the OECD Council on Combating Bribery in International Business Transactions

اروپا در مورد مبارزه با ارتشای مقامات دولتی خارجی در معاملات تجاری بین‌المللی در سال ۱۹۹۷ در سطح سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تصویب شد که کشور های اروپایی و امریکایی در آن عضوند<sup>۱</sup> و برای اولین بار ارتشا کارمندان خارجی یک کشور در کشور دیگر قابل تعقیب اعلام شد. چون فساد سبب می‌شود در رقابت اقتصاد جهانی شرکت‌های دول فاسد نسبت به شرکت‌های قانون مدار پیشی گرفته و به طور نامشروع اموالی را دارا شوند، در سطح بین‌المللی نیز مبارزه با فساد مورد توجه قرار گرفته است و برای اولین بار در کنوانسیون مریدا مطرح شده است. این کنوانسیون مصادیق افغالی را که تحت این عنوان قابل جرم انگاری است احصا کرده است. اصطلاح فساد یک اصطلاح حقوقی نیست، بلکه عنوانی عام<sup>۲</sup> است که جرائم مختلفی ذیل آن قابل بررسی هستند.

توصیه‌نامه‌های تجدیدنظر شده شورای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در مورد مبارزه با ارتشا در معاملات تجاری بین‌المللی

African Union Convention on Preventing and Combating Corruption

کنوانسیون اتحادیه آفریقایی در خصوص پیشگیری و مبارزه با فساد

SADC Convention on Prevention and Combating Corruption

کنوانسیون جامعه توسعه جنوب آفریقا در خصوص پیشگیری و مبارزه با فساد

Protocol relating to the Mechanism for Conflict Prevention, Management, Resolution, Peacekeeping and Security-ECOWAS

پروتکل جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا در خصوص سازوکار پیشگیری و مدیریت

مخاصمات، حفظ صلح و امنیت

<sup>1</sup>. OECD-Convention on Combating Bribery of Foreign Public Officials in International Business Transactions

کنوانسیون سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در مورد مبارزه با ارتشای مقامات دولتی خارجی در

معاملات تجاری بین‌المللی

The Revised Recommendation of the OECD Council on Combating Bribery in International Business Transactions

توصیه‌نامه‌های تجدیدنظر شده شورای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در مورد مبارزه با ارتشا در

معاملات تجاری بین‌المللی

<sup>2</sup>. generic

ب) اسناد بین‌المللی: ویژگی‌های کنوانسیون مریدا

کنوانسیون مریدا بعنوان نخستین سند بین‌المللی که مبارزه با فساد را مورد توجه قرار داده است از ویژگی‌هایی بر خوردار است که بشرح زیر قابل بررسی هستند:

۱. تاکید بر پیشگیری<sup>۱</sup>

این کنوانسیون برخلاف کنوانسیون‌های کیفری که با جرم انگاری و تعیین وصف جرائم شروع شده و سیاست کیفری واکنشی و سرکوبگر را برای مبارزه با فساد اتخاذ می‌کنند، بعد از کلیات دومین فصل خود را به تدابیر یا اقدامات پیشگیرنده و کنشی غیر سرکوب گرا اختصاص داده است.

بموجب بند سوم ماده ۸ این کنوانسیون رعایت اخلاق حرفه‌ای مقامات دولتی<sup>۲</sup> مورد تاکید قرار گرفته است.<sup>۳</sup> در ماده ۱۱ نیز بر جلوگیری از فساد در دستگاه قضایی بویژه دادسرا و ضابطین و لزوم رعایت رفتار و اخلاق حرفه‌ای تأکید شده است. این یکی از ساز و کارهایی است که در کنار حقوق کیفری برای حفظ نظام اقتصادی مطرح شده است اصولاً برای نظام اقتصادی علاوه بر حقوق کیفری که حقوق قهرآمیز و دارای ضمانت اجرای کیفری است سه راه کار دیگر نیز وجود دارد: (الف) - پیشگیری از طریق ساز و کارهای درون مؤسسه‌ای مؤسسات و بنگاهها (ب) - پیشگیری از طریق ساز و کارهای بیرون مؤسسه‌ای (۲) ایجاد مقام‌های صنفی یا مقامات اقتصادی مستقل که فعالیتهای اقتصادی هر قلمرو را کنترل می‌کنند و براساس آنها در نهایت زمینه‌های اصلاحات قانونی و بر طرف کردن نقاط ضعف بنگاهها را

<sup>1</sup>. پیشگیری معادل prévention است و اقدامات کنشی غیرقهرآمیز قبل از وقوع جرم را مورد اشاره قرار می‌دهد. تفاوت آن با بازدارندگی یا Deterrence این است که واژه اخیر دربردارنده اقدامات واکنشی و شامل ارعاب و عبرت ناشی از تهدید مجازات‌هاست.

<sup>2</sup>. code of conduct

<sup>3</sup>. امروزه فرض بر بی‌اثر بودن مجازات است و اینکه بهتر است بین حرفه‌ها اطلاع‌رسانی شود تا قواعد را بهتر درک کنند. این خود نوعی پیشگیری یا prévention است.

## جرم‌شناسی ۲۵۴۹

نشان می‌دهند، مثل شورای عالی رقابت<sup>۱</sup> در فرانسه که امر رقابت را که اساس و محور فعالیتهای اقتصادی است سازماندهی می‌کند. (۳) شیوه‌ی خود انتظامی تنظیم مقررات و قواعد اخلاق رفتاری که نوعی اخلاق حرفه‌ای است.

بنظر می‌رسد در فعالیت‌های اقتصادی، اخلاق یا وجدان عمومی کافی نیست لذا برای پیشگیری لازم است که اخلاق حرفه‌ای نیز مورد توجه قرار گیرد. یعنی صاحبان حرف از آنچه که در اخلاق آن شغل قبیح است نیز مطلع باشند. لذا یک فرد تاجر ممکن است مومن باشد اما چون از اخلاق حرفه‌ای و مقررات و ساز و کارهای حرفه‌ی خود آگاه نیست نا آگاهانه مرتکب جرمی نظیر دسترسی به اطلاعات نماند. در اینجاست که اخلاق حرفه‌ای، تنظیم شده و برای مثال در یک شرکت تجاری توزیع می‌گردد تا همه از آن مطلع باشند و در صورت ارتکاب جرم ادعای جهل نسبت به آن را نداشته باشند.

ماده ۱۳ به مشارکت مردم و اطلاع‌رسانی به آنها در رابطه با قوانین اشاره دارد و این امر را راهی برای پیشگیری از فساد اقتصادی و اداری می‌داند.

در ماده ۱۴ به پیشگیری اختصاصی از تطهیر درآمدهای نامشروع (پولشویی) تأکید شده است.<sup>۲</sup>

### ۲. تأکید بر لزوم جرم‌انگاری

در این کنوانسیون یک تعداد جرائم مالی و اقتصادی نظیر رشاء و ارتشا مقامات دولتی مجدداً مورد توجه قرار گرفته و یک سلسله جرائم جدیدی همچون پرداخت رشوه به مقامات بین‌المللی پیش‌بینی گردیده است. البته تعقیب، محاکمه و محکومیت مرتکبین این جرایم قبلاً در کنوانسیون پالرمو تحت عنوان جرایم سازمان یافته فراملی

## ۲۵۵۰ مباحثی در علوم جنایی

در قالب: ۱- رشا و ارتشا ۲- پولشویی ۳- ایجاد مانع در سر راه عدالت قضایی<sup>۱</sup> پیش‌بینی شده بود.

ولی در کنوانسیون مریدا جرایم متعددی پیش‌بینی و مورد اشاره قرار گرفته است و در ماده ۱۵ جرایمی نظیر ایجاد مانع در راه عدالت قضایی<sup>۲</sup> از طریق پنهان کردن ادله، تهدید قاضی، پرداخت رشوه به مقامات عمومی کشوری یعنی بخش عمومی و دولتی که به نوعی با خزانه عمومی مرتبطند، جرم‌انگاری شده است. این ماده بطور موسع<sup>۳</sup> مباشر اصلی، معاون و شریک راهم قابل تعقیب دانسته است.<sup>۴</sup> ماده ۱۶ این کنوانسیون به مقامات دولتی خارجی و بین‌المللی<sup>۵</sup> اختصاص دارد. بعد از تصویب کنوانسیون سازمان همکاری‌های اقتصادی و مریدا کلیه کشورهای اروپایی پرداخت رشوه به مقامات دولتی خارجی و بین‌المللی را جرم‌انگاری کردند.<sup>۶</sup>

در ماده ۱۷ نیز اختلاس و حیف و میل اموال توسط مقامات دولتی مورد اشاره قرار گرفته است. در ماده ۱۸ اعمال نفوذ در معاملات<sup>۷</sup> مطرح شده است.<sup>۸</sup> بند الف

<sup>۱</sup>. Offences against the administration of justice

<sup>۲</sup>. Offences against the administration of justice

<sup>۳</sup>. یکی از ویژگیهای کنوانسیون مریدا این است که وصف جرائم عمدتاً موسع در نظر گرفته است.

<sup>۴</sup>. در فقه جزایی اسلام و در مقررات قانونی ایران ارتشا جرم خاص قضات است و ارتشا سایر کارمندان دولت در حکم جرم رشا و ارتشا تلقی شده است. در قوانین کیفری باستان نظیر قانون نامه حمورابی و قانون نامه هیتیا نیز ارتشا عمدتاً ناظر به قضات (حاکمان) است.

<sup>۵</sup>. پسر کوفی عنان کارمند بین‌المللی سازمان ملل است که به فساد و گرفتن رشوه در برنامه نفت در برابر غذا متهم شده است.

<sup>۶</sup>. به موجب تبصره ۳ ماده واحده قانون منع دریافت پورسانت مصوب ۷۲، کارمندان دولت می‌توانند پورسانتی را که شرکتهای خارجی حاضر به پرداخت آن هستند گرفته و در اختیار دولت قرار دهند. در غیر این صورت مجرم تلقی می‌شوند.

<sup>۷</sup>. Influence in Trading

<sup>۸</sup>. قانون مجازات اعمال نفوذ مصوب ۱۳۱۵ لزوماً در مورد معاملات نیست، بلکه در ارتباط با ضابطه‌مندی اقدامات اداری و قضایی مقامات دولتی با ارباب رجوع است.

<sup>۱</sup>. Conseil de la concurrence

<sup>۲</sup>. در نتیجه این جرم گاه تا چند برابر بودجه رسمی دولتها جابجا می‌شود.

## جرم‌شناسی ۲۵۵۱

این ماده بسیار کلی تنظیم شده و علاوه بر اعمال نفوذ در معاملات تجاری، اقدامات اداری و روابط اقتصادی و تجاری را هم شامل می‌شود. بند اول و دوم ناظر به رشوه دهنده و رشوه گیرنده است ولی بند سوم بیشتر ناظر به رشوه گیرنده است.

جرم استفاده از مقام و منصب<sup>۱</sup> در ماده ۱۹ آمده است که در ایران با اصطلاح رانت‌خواری از آن نام برده می‌شود.<sup>۲</sup> در لایحه قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی به این نکته اشاره شده است.<sup>۳</sup>

ماده ۲۰ نوآوری دیگر این کنوانسیون است و جرم کلی به نام دارا شدن نامشروع و بلاجهت از طریق کسب ثروتهای نامشروع<sup>۴</sup> را مطرح کرده است. بموجب این ماده چنانچه دارایی، سرمایه و آهنگ زندگی اشخاص و مقامات دولتی با حقوق ماهیانه‌شان متناسب نباشد، فرض بر این گذاشته می‌شود که آن دارایی نامشروع است. به نظر می‌رسد در چنین موردی کارمند باید مشروع بودن سرمایه اش را به اثبات برساند. در اینجا بار اثبات دلیل از دادستان به خود متهم یا وکیل وی انتقال داده شده است و اماره برائت را به نفع اماره مجرمیت مخدوش کرده است. این امر در کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۰ در ارتباط با جرم پول شویی درآمدهای نامشروع صورت پذیرفته است، زیرا پول شویی هم نوعی دارا شدن نامشروع تلقی می‌شود. باید توجه داشت که از منظر حقوق جزای اختصاصی دارا شدن بلاجهت یک عنوان مجرمانه کلی است که می‌تواند بر اعمال و ترک اعمال مختلفی مبتنی باشد. این امر برخلاف اصول اساسی حقوق جزای عمومی است که به موجب آن وصف و عناوین کیفری و مجرمانه باید منجز، دقیق و مضیق باشد و قابل تفسیر موسع علیه متهم نباشد. لذا با این که کنوانسیون

## ۲۵۵۲ مباحثی در علوم جنایی

مریدا بر پیشگیری به عنوان راهکار مبارزه با فساد اقتصادی تأکید کرده اما ابعاد کیفری این کنوانسیون بسیار شدید است.<sup>۱</sup> آیاتحصول مال نامشروع با دارا شدن نامشروع منطبق است؟ ماده ۲۰ کنوانسیون مریدا با ماده ۲ قانون تشدید مجازات کلاهبرداری در خصوص تحصیل مال نامشروع منطبق است. این ماده استثنایی بر اصل برائت تلقی می‌شود، لذا در صدر م ۲۰ کنوانسیون تأکید شده که در جریان محاکمه‌ی چنین جرایمی، اصول اساسی نظام حقوقی کشورها از جمله حقوق دفاعی متهمین باید رعایت شود. بنابراین اماره برائت مطلق نبوده و نسبی است. نوآوری ماده ۲۱ جرم‌انگاری پرداخت رشوه در بخش خصوصی است. البته در خیلی کشورها بیش از ۱۵ سال است که ارتشا در بخش خصوصی جرم‌انگاری شده حتی در قانون مجازات عمومی مصر هم پرداخت رشوه در بخش خصوصی ممنوع تلقی شده است، اما این کنوانسیون این رویه قانون گذاری دولتها را به یک اصل جهانی تبدیل کرده است، زیرا امروزه دنیا به سمت خصوصی سازی اقتصادی یا فعال کردن بخش خصوصی گام برداشته است و در بسیاری از کشورها بیش از ۳/۴ فعالیت‌های اقتصادی داخلی و بین المللی را بخش خصوصی را انجام می‌دهد. لذا به موازات آن موارد ارتشاء در بخش خصوصی زیر عنوان پورسانت، حق العمل و پاداش بیشتر می‌شود. پس یک نوع اجبار ناشی از تحولات این جرم در سطح بین المللی بوجود آمده است.

امروزه اعمال تکالیف این کنوانسیون در سطح حقوق داخلی شرطی در جهت حضور در فعالتهای اقتصادی و عضویت در سازمانهای جهانی تلقی می‌شود. از اینرو می‌توان از جهانی شدن و بین‌المللی شدن مقررات مربوط به جرایم اقتصادی از رهگذر کنوانسیون مریدا صحبت کرد.

<sup>۱</sup> Abuse of Function/ Position

<sup>۲</sup> در ایران از آن تحت عنوان ویژه‌خواری نام برده شده است.

<sup>۳</sup> در این لایحه و نیز لایحه قانون سلامت اداری به اصطلاح رهنمودهای اخلاق حرفه‌ای نیز اشاره شده است، که البته لایحه اخیر بیشتر رنگ توصیه‌ای دارد تا جرم‌انگاری.

<sup>۴</sup> Illicit Enrichment

<sup>۱</sup> به منظور مقایسه به اصل ۴۱ قانون اساسی و قانون مربوط به رسیدگی به داراییهای کارمندان دولت مصوب ۱۳۲۷ مراجعه کنید.



## جرم‌شناسی ۲۵۵۳

ماده ۲۲ کنوانسیون اختلاس در بخش خصوصی را جرم‌انگاری کرده است، حال آنکه در حقوق داخلی فقط ناظر بر بخش عمومی است.<sup>۱</sup>

این جرم قبلاً در ۲ کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و مواد روانگردان ۱۹۸۸ و کنوانسیون مبارزه با جنایات سازمان یافته فراملی ۲۰۰۰ پیش‌بینی شده بود. تفاوت بین این سه کنوانسیون این است که در ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۸۸ تطهیر خاص یعنی تطهیر سرمایه‌ها و عواید ناشی از قاچاق مواد مخدر جرم‌انگاری شده و اولین معاهده بین‌المللی است که اصطلاح تطهیر<sup>۲</sup> را به کار برده است. کنوانسیون پالرمو تطهیر کلیه سرمایه‌ها و درآمدها با قید سازمان‌یافتگی و فراملی بودن جرم‌انگاری شده مشروط بر اینکه منشأ مجرمانه داشته باشد. ماده ۲۳ کنوانسیون مریدا در جهت توسعه قلمرو جرم‌انگاری پولشویی گام برداشته و پولشویی عام را مطرح کرده است. لازم به ذکر است که در جرم پولشویی سه شخص مداخله دارند. ۱- مرتکب جرم اصلی، فرض کنید جرم اصلی قاچاق مواد مخدر است. در اینجا قاچاقچی مجرم اصلی است. ۲- مجرم دوم یا واسطه یعنی شخصی که این پول را پاک‌سازی می‌کند ۳- شخصی است که در نهادهای دولتی، بانکها، یا در موسسات رسمی زمینه تطهیر را فراهم می‌کند. بدین ترتیب حول جرم پولشویی شبکه‌ای از جرائم مرتبط نظیر جرم قاچاق، جرم ارتشا، جرم جعل، جرم اعمال نفوذ، جرم انجام معاملات ارزی خارج از مؤسسات اعتباری، بانکی و رسمی، جرم خروج غیرمجاز ارز از کشور، جرم ورود غیرمجاز به کشور اتفاق می‌افتد که در ارتباط با یکدیگر منجر به تطهیر می‌شوند. پس خود قاچاقچی لزوماً تطهیرکننده نیست.

<sup>۱</sup> اختلاس در بخش خصوصی در حقوق ایران با عنوان خیانت در امانت قابل پیگیری است. عنوان خیانت در امانت در کشور فرانسه تحت عنوان (Abus de confiance) شناخته می‌شود، حال آنکه در یک شرکت تجاری این عمل تحت عنوان (Abus de bien sociaux) یعنی خیانت در امانت اموال شرکت شناخته می‌شود.

<sup>۲</sup> Money Laundering

## ۲۵۵۴ مباحثی در علوم جنایی

ماده ۲۴ کنوانسیون، جرم اختفا را مطرح نموده است که به جرم اختفاء اموال مسروقه شباهت دارد. البته در ماده ۲۳ نیز این جرم به مناسبت تطهیر پیش‌بینی شده است.

ماده ۲۵ کنوانسیون، جرائم علیه عدالت قضایی را مطرح کرده است. این جرم از لوازم تعقیب و محاکمه مفید و مؤثر فساد به طور کلی است و صرفاً فساد اقتصادی و مالی را مورد توجه قرار نمی‌دهد. جرم‌انگاری اعمالی که تعقیب و محاکمه جرائم اقتصادی را مشکل می‌سازد در جهت تسهیل و تقویت اقدامات پلیسی و قضایی علیه این جرائم است.

مواد ۲۶ به بعد گاه مربوط به آ. د. ک و گاه جزای عمومی است. به طور کلی این مواد حکایت از تشدید رژیم یا نظام کیفری این کنوانسیون دارد. به نظر می‌رسد که نوعی شدت عمل در دستور کار مریدا بوده است. مواردی نظیر جرم‌انگاری فعالیت‌های اشخاص حقوقی، شرکت در شروع به جرم تمام این جرائم، پیش‌بینی مواعید طولانی مرور زمان برای این جرائم، پیش‌بینی اختیارات غیرمعارف برای ضابطین و مقامات اداری، ایجاد تسهیلاتی در جهت استرداد متهمین این جرائم و همکاری پلیسی، قضایی بین‌المللی در این رابطه به گونه‌ای که به دولتها تکلیف کرده که قید و بندهای معمول ناشی از دغدغه حاکمیتی را کنار بگذارند.

### ۳. تعیین مجازات

در کنار جرم‌انگاری، تعیین مجازات نیز حایز اهمیت است. کنوانسیونهای کیفری بین‌المللی صرفاً جرم‌انگاری می‌کنند و مجازات را بر عهده دولتها و در چارچوب حاکمیت ملی دولتهای داندند. کنوانسیون مریدا بگونه‌ای تنظیم شده که دولتها باید علاوه بر الحاق، مقررات آنرا در حقوق داخلی هم پیش‌بینی کنند.

### ۴. پیش‌بینی سیاست کیفری حمایتگر در رابطه با گروههای خاص

## جرم‌شناسی ۲۵۵۵

یک نوآوری دیگر این کنوانسیون حمایت از شهود، مطلعین، کارشناسان دادگستری و بزه‌دیدگان است. چون این گروهها ممکن است توسط مرتکبین ذی نفوذ دولتی و غیردولتی این جرائم تهدید و مرعوب شوند لذا در ماده ۳۲ حمایت‌های فیزیکی، جغرافیایی برای اینها به طور مفصل آمده است. در ماده ۳۳ نیز حمایت ویژه‌ای برای مخبرین یا گزارش‌دهندگان<sup>۱</sup> پیش‌بینی شده است. البته دام گستری<sup>۲</sup> باید با رعایت اصول قانون اساسی و موازین حقوق بشری صورت پذیرد. بالاخص اینکه اینگونه موارد دام گستری باید صراحتاً و بطور موردی در آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده باشد.

---

<sup>۱</sup>. Informant

<sup>۲</sup>. Infiltration